

فهرست کامل شعارهای ۱۳ آبان



۶ روز تا ۱۳ آبان

۸	تحلیل هفته سردبیر
۹	مینا جعفری
۱۲	سعید حاتمی
۱۱	سامان رسول پور
۱۰	تقی روزبه
۱۲	مجید محمدی
۱۶	علیرضا نوری زاده



دو حادثه سبز ایرانی در
اروپا:
اتحاد جمهوریخواهان،
حزب مشروطه ایران

صفحات: ۵-۶

کروبی: نباید از میدان بدر رویم
دعوت مجمع روحانیون برای ۱۳ آبان
تاکید رهبران اصلاح طلب بر تشکیل کمیته مشترک
بیانیه اتحادیه اروپا:
محکومیت وضع حقوق بشر در ایران

اول نادیده ات می گیرند، بعد مسخره ات می کنند، سپس با تو مبارزه می کنند، اما در نهایت

ناشر

موسسین:
خانه فیلم مخملباف / نوشابه امیری
هوشنگ اسدی / فریبرز بقانی
محسن سازگارا / علیرضا نوری زاده
فرهنگسرای پویا

مدیر اجرایی:
شهلا بهار دوست

اولین پیش شماره هفتم تیر ماه
هزار و سیصد و هشتاد و هشت

جنبش سبز

فراخوان سبزه های کلن برای
۱۳ آبان سبز

صفحه: ۷

هنر سبز

خسرو باقرپور،
شهلا بهار دوست،
رضا مقصدی

صفحه: ۱۹

راههای سبز

۳ میلیون دانش آموز بسیجی
در ۱۳ آبان
جعفری، فرمانده کل سپاه:
شعله های آتش خاموش نشده
است

صفحات: ۲-۸



راههای سبز

بررسی سازش احمدی نژاد با غرب در دیدار کروی و موسوی

تاکید رهبران اصلاح طلب بر تشکیل کمیته مشترک

دوکاندیدای اصلاح طلب ریاست جمهوری روز سه شنبه بار دیگر با یکدیگر ملاقات کردند و به مسایل مهم کشور از جمله توافقات دولت احمدی نژاد با دولت های غربی در مورد توقف غنی سازی و انتقال سوخت هسته ای ایران به خارج کشور و نیز پیگیری پرونده زندانیان سیاسی از طریق ایجاد یک کمیته مشترک پرداختند.

نحوه موضع گیری ها در تداوم جنبش سبز از جمله دیگر مسایلی بود که در این دیدار مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. کروی و موسوی که در جریان انتخابات با یکدیگر به رقابت پرداختند پس از تقلبات انتخاباتی و شکل گیری جنبش سبز به صورت مرتب با یکدیگر جلسه برگزار کرده اند.

این دو در آخرین دیدار خود نیز بر برگزاری جلسات منظم برای گسترش همکاری ها و لزوم اتفاق نظر در پیگیری مطالبات مردمی تاکید کرده بودند.

دیدارهای قبلی رهبران اصلاح طلب

کروی و موسوی روز ۱۹ مهر هم با یکدیگر دیدار داشتند. دیداری که در آن کروی تقلب های انتخاباتی را "خنده دار" دانست و موسوی با محکوم کردن برخوردهای صورت گرفته با دانشجویان آنها را "فرزندان مردم" خواند.

دیدار آن زمان در منزل کروی صورت گرفت. در جریان دیدار مهرماه که با حضور خبرنگاران برگزار شد، موسوی و کروی با اشاره به تبلیغات یک طرفه صدا و سیما خواستار فرصتی برای حضور کاندیداهای اصلاح طلب در یک برنامه تلویزیونی شدند تا به تخریب هایی که علیه آنها راه انداخته شده پاسخ دهند.

در سالگرد ۱۸ تیر نیز کروی، موسوی و سیدمحمدخاتمی جلسه دیگری برگزار کرده بودند. در آن جلسه، رهبران اصلاح طلب به شدت از حمله به مردم بی گناه و حمله به خوابگاه ها و منازل مردم انتقاد کردند و نمونه هایی تکان دهنده ای از خشونت لباس شخصی ها را، که با حمایت قوای امنیتی صورت گرفته بود، یادآور شدند. در جلسه تیرماه، با اشاره به کشته شدن هموطنانی که تنها جریشان اعتراض به تقلبات انتخاباتی بوده، گفته شد که مردم حرکت های مسالمت جویانه ای داشته اند و یک راهپیمایی چند میلیونی خودجوش را با آرامش و نظم فوق العاده اداره کرده اند و "با اندکی تدبیر امکان داشت جریان امور به یک بحرانی ملی تبدیل نشود".

در آن جلسه رهبر اصلاح طلب با اشاره به سخنان احمد جنتی که از تریبون نماز جمعه اعتراف گیری از زندانیان را تأیید کرده بود، اظهار داشتند که این نوع برخورد، مشابه رفتارهایی است که "اعراب جاهلی با عمار یاسر ها داشته اند" و "جای تعجب است خطیبی که خود باید حافظ ارزش های اسلامی باشد به این رفتار اذعان و افتخار نماید".

اهمیت زمان

به گفته ناظران سیاسی آن چه این دیدار را لازم قرار داد، چالشی است که به دنبال توافق های مقامی دولت احمدی نژاد با کشورهای غربی بر سر پرونده هسته ای، میان چهره های اصلی تصمیم گیری کشور رخ داده است. در حالی که با استقبال وسیع دولت اوباما و دولت های اروپایی [و روسیه و چین] می رفت که یک بازی تبلیغاتی وارد مرحله عمل شود و ایران بپذیرد که اورانیوم غنی سازی شده خود را [که مهم ترین وجه تبلیغاتی دولت احمدی نژاد بوده و هست]، به بهانه ای کاملاً ساختگی به روسیه و بعد هم فرانسه فرستاده شود. عملی که دولت قصد داشت با سروصدا و تبلیغات داخلی به عنوان یک پیروزی بزرگ جلوه دهد.

به گفته یک کارشناس مسائل هسته ای در حقیقت دولت مردان در غیاب چهره های اصلاح طلب که در زندانند و روزنامه های اصلی منقد دولت که توقیف شده اند، قصد داشتند تأمین سوخت نیروگاه کوچک تحقیقاتی تهران را چنان بزرگ کنند که تغییر اساسی سیاست هسته ای توجیه پذیر گردد. عملی که با تذکر رییس مجلس [گوبنده جمله معروف در غلطان و آب نبات] و ادامه این تذکر توسط معاون وی [که گفت رهبر با مذاکره با آمریکا مخالف است] منتفی به نظر می رسد.

اهمیت این چالش تا بدان جاست که گفته می شود منوچهر متکی وزیر خارجه هم در همین هفته هیات دولت را به بهانه ای شبیه به علی لاریجانی ترک می گوید تا یک قربانی به قربانیان قبلی کشمکش محمود احمدی نژاد با مقامات دیگر نظام افزوده گردد. کشمکشی که گاه بین او و بزرگ ترین حامیش یعنی آیت الله خامنه ای درگیر بوده است.

منبع: روز آن لاین



۶ روز تا ۱۳ آبان سبز



دعوت مجمع روحانیون برای ۱۳ آبان

حضور گسترده و آرام

در آخرین فراخوان برای شرکت در مراسم عمومی، روز سه شنبه مجمع روحانیون مبارز نیز با انتشار بیانیه از مردم دعوت کرد تا بصورت گسترده و مسالمت آمیز در راهپیمایی ۱۳ آبان شرکت کنند.

این مجمع ضمن تاکید بر آزادی های مصرح در قانون اساسی همچون آزادی بیان و آزادی اجتماعات "از همه مردم شریف ایران که همواره از خود رفتار مدنی نشان داده اند" خواست که "در این موقعیت حساس حتی اگر مورد خشونت خشونت گران قرار گیرند خویشتن داری را از دست ندهند".

این تشکل سیاسی که سیدمحمد خاتمی و موسوی خوینی ها دو شخصیت برجسته آن به شمار می روند، در این بیانیه با اظهار تاسف از برخوردهای صورت گرفته با مهدی کروی دبیرکل اعتماد ملی و علیرضا بهشتی فرزند آیت الله بهشتی در نمایشگاه مطبوعات، آنها را اقداماتی را از پیش طراحی شده برای به خشونت کشیدن فضا دانست.

فراخوان مجمع روحانیون در حالی صورت گرفته که هوادارن جنبش سبز در حال به کار گیری همه روش های ممکن برای دعوت معترضان به حضور در راهپیمایی ۱۳ آبان هستند که مهمترین این ابزارها استفاده از اینترنت بوده است.

۳ میلیون دانش آموز بسیجی در ۱۳ آبان

در حالی که فرماندهان بسیج در تدارک سازماندهی ۳ میلیون نفر برای حضور در راهپیمایی تهران و مقابله با حضور معترضان در ۱۳ آبان هستند، دیروز مجمع روحانیون مبارز از تشکل های اصلی اصلاح طلب از مردم دعوت کرد تا به صورت مسالمت آمیز در مراسم این روز حاضر شوند.

روز گذشته سردار محمد صالح جوکار رییس بسیج دانش آموزی رئیس بسیج دانش آموزی و فرهنگیان به خبرگزاری فارس گفت: سه میلیون دانش آموز بسیجی در مراسم مبارزه با استکبار جهانی در راهپیمایی مقابل لانه جاسوسی حضور ی سازمان یافته خواهند داشت.

سردار جوکار در ادامه با اشاره به "جنگ روانی که در خصوص این روز (۱۳ آبان) از سوی دشمنان نظام به راه افتاده" اظهار داشت: "عده ای فریب خورده می خواهند از این فضاها سوء استفاده کنند و دشمن سعی دارد در جنبش های انقلابی انحراف ایجاد کند، اما مردم با بصیرت و هوشیاری که دارند این توطئه ها را خنثی خواهند کرد. دانش آموزان پتانسیل بالایی دارند و می توانند مقابل هر جریانی که بخواهد علیه انقلاب توطئه کند بایستند".

در همین ارتباط، چندی قبل سردار علی فضلی، فرمانده سپاه سیدالشهدای استان تهران با اشاره به راهپیمایی روز ۱۳ آبان در اظهاراتی صریح گفته بود: "کانون فتنه اعلام کرده در روز ۱۳ آبان شیطنت هایی را خواهد داشت، در این زمینه باید هوشیار باشیم و غفلت نکنیم". وی تلویحا از همه نیروهای بسیجی و سپاهی خواست بود تا برای این روز و برخورد با گفته او "عوامل فتنه" آماده باشند و افزود: "البته امروز چهره نفاق برای همگان روشن شده است، اما اگر مراقب نباشیم در آینده مشکلات جدی تری را خواهیم داشت".

این سخنان عکس العملی بود به دعوت چهره های شناخته شده معترض به نتایج انتخابات برای قدرت نمایی مردم در تجمعات عمومی. مهدی کروی در همین راستا اخیرا اعلام کرده است که در تمام مراسم و مناسبت های عمومی مانند محرم و ۲۲ بهمن به صورت فعال حضور خواهد داشت.

راههای سبز



و با راه اندازی تلویزیون صبا را خواستار شدند و درخواست کردند که با افزایش ارتباط میان مهدی کروبی و میرحسن موسوی، جنبش سبز تقویت شده و اهداف خود را پیش ببرد. این روزنامه نگاران همچنین اقدامات مهدی کروبی را ستودند و خطاب به او گفتند: «خیلی خوشحالم که در میان سیاستمداران خود شخصی را داریم که کنش ناب سیاسی را در انسانی ترین شکل آن به جامعه نشان می دهد.»

صحبت های روزنامه نگاران که به پایان رسید، همگان چشم به مهدی کروبی دوختند تا شنونده سخنان او باشند. کروبی که هنوز اثر زخمی کوچک را که در نمایشگاه مطبوعات برداشته بود بر پیشانی داشت اینگونه سخن آغاز کرد: «من هر سال به نمایشگاه مطبوعات رفته ام اما امسال به علت توقیف رو به تزیاید نشریات و نیز بازداشت روزنامه نگاران برای رفتن به نمایشگاه انگیزه مضاعفی داشتم. من از اتفاق رخ داده در نمایشگاه رنجیده نشدم و تنها متأسف شدم از بروز برخی رفتارهای نسنجیده و نامعقول و اتفاقا خیلی خوب شد که به نمایشگاه رفتم تا ماهیت واقعی برخی افراد روشن شود.»

کروبی در ادامه ادعای مسئولین نمایشگاه را که در مصاحبه با برخی خبرگزاری ها گفته اند نسبت به جو نامساعد نمایشگاه به محافظان کروبی اخطار داده بودند را تکذیب کرد و گفت: «من کاملاً بی خبر به نمایشگاه رفتم و اینکه برخی می گویند به رغم اخطارها کروبی قصد ماجراجویی داشته، کذب محض است. با اینهمه تعجب می کنم و از دوستان می پرسم که آیا برای بازدید از نمایشگاه مطبوعات باید اجازه بگیریم؟ تعجب می کنم که چرا بزرگان و عاقل ترها مانع چنین رفتارهای ناسنجیده ای نمی شوند.»

نباید از میدان به در برویم

کروبی در ادامه ابراز امیدواری کرد که حاکمیت چنین طرز فکری بر کشور طولانی نشود و روزنامه نگاران حاضر در جمع را به بردباری و تحمل و نیز حفظ تعادل توصیه کرد و گفت: «ما نباید از میدان به در برویم چرا که وضع در اردوگاه مخالفان ما نگران کننده است و واکنش خود را با بروز چنین رفتارهایی نشان می دهیم.»

کروبی در بخش دیگری از صحبت های خود از فشار سنگین بر مطبوعات در ماه های اخیر گلایه کرد و در پاسخ به برخی از روزنامه نگاران که از او راه اندازی یک روزنامه تازه را خواستار شده بودند، گفت: «هر روزنامه ای که توقیف می شود داغ دلم تازه می شود با اینهمه دربی آن هستم که یک روزنامه و یا نشریه ای تازه منتشر کنیم و نمی خواهم به هیچ عنوان از میدان به در روم. خیلی متأسف می شوم وقتی می بینم عده ای روزنامه نگار با انگیزه بیکار می شوند و نیروهایشان در می رود. در روایات هم آمده است که فرد غریب، فردی عالم و صاحب اندیشه است که علم و دانش او در غربت باشد و اکنون هم روزنامه نگاران حرفه ای و واقعی ما غریب افتاده اند.»

مشکلات مالی مهمترین مانع تلویزیون ماهواره ای

مهدی کروبی در ادامه مشکل اصلی در مقابل راه انداز شبکه ماهواره صبا را نیز مشکلات مالی عنوان کرد.

این دیدار دوستانه اما با دلداری مهدی کروبی به روزنامه نگاران پایان گرفت آنجایی که خطاب به میهمانان خود گفت: «خاطر جمع باشید که اوضاع اینگونه باقی نمی ماند و دولت ناگزیر است که اوضاع را تغییر دهد و فضا را باز کند. در عین حال مطمئن باشید که بنده به عنوان یک روحانی آنچه را که وظیفه خود می دانم انجام می دهم و از هزینه دادن باکی ندارم و برای هر هزینه ای آماده هستم.»



بیانیه اتحادیه اروپا، باز هم: محکومیت وضع حقوق بشر در ایران

سوند که ریاست دوره ای اتحادیه اروپا را بر عهده دارد، به نمایندگی از اعضای این اتحادیه بیانیه ای در محکومیت وضعیت حقوق بشر در ایران بعد از انتخابات ریاست جمهوری این کشور در خرداد ماه سال جاری صادر کرده است.

در این بیانیه بازداشت بیش از ۴۰۰۰ نفر در ناآرامی های بعد از انتخابات و ادامه بازداشت تعداد زیادی از روزنامه نگاران، مدافعان حقوق بشر و کشتگران سیاسی محکوم شده و اتحادیه اروپا "با اصرار" از مقامات ایرانی خواسته است روزنامه نگاران و افرادی را که برای جرایم سیاسی در بازداشت هستند آزاد کند. در این بیانیه مشخصاً از بهزاد نبوی، محسن میردامادی، احمد زیدآبادی، محمد قوچانی، عیسی سحرخیز، بهمن احمدی امویی و کیان تاجبخش نام برده شده است.

اتحادیه اروپا همچنین از "گزارش های نگران کننده درباره بدرفتاری و شکنجه در زندان ها و بازداشتگاه ها" ابراز بیزارگی کرده و از دولت ایران "موکداً" خواسته در مورد این ادعاها تحقیقات کامل به عمل آورد.

در بخش دیگری از بیانیه اتحادیه اروپا از محاکمه دسته جمعی حدود ۱۵۰ نفر ابراز نگرانی شده و آمده است که رویه این دادگاه و احکام صادره پس از آن "با معیارهای بین المللی برگزاری دادگاه عادلانه که ایران به آنها متعهد گردیده، مطابقت ندارد و در خیلی از موارد به طور فاحش مغایر با قانون اساسی و قوانین ایران است."

اتحادیه اروپا همچنین کلیه احکام اعدام و بخصوص احکام مربوط به جرایم سیاسی را محکوم کرده و اعلام کرده "به طور اخص شدیداً نگران چهار حکم اعدامی است که برای چهار نفر در یکی از دادگاه ها

دیدار روزنامه نگاران با مهدی کروبی، کروی:

نباید از میدان بدر برویم

برای هر هزینه ای آماده ام و باکی ندارم



چهار روز بعد از هتک حرمت و حمله به شیخ مهدی کروبی در نمایشگاه مطبوعات، جمعی از روزنامه نگاران به دیدار مهدی کروبی رفتند تا ضمن دلجویی از او، اتفاق رخ داده در نمایشگاه مطبوعات را محکوم کنند. اینچنین بود که به رغم بارش شدید باران، جمعی از روزنامه نگاران ساعتی را در منزل مهدی کروبی گذراندند و هم حرف و سخن خود را با شیخ در میان گذاشتند و هم توصیه ها و گلایه های شیخ را شنیدند. روزنامه نگاران آمده بودند تا از مهدی کروبی دلجویی کنند و از او بخواهند که اتفاق نمایشگاه مطبوعات را به دل نگیرد و آن را به پای جماعت روزنامه نگار ننویسد. در ابتدای این دیدار "ایدرالسادات مفیدی"، دبیر انجمن صنفی روزنامه نگاران ضمن تأسف از نحوه برخورد با مهدی کروبی در نمایشگاه مطبوعات و نیز تقدیر از شجاعت صراحت لهجه او لازم دید که یادآور شود: «در سالهای اخیر نمایشگاه مطبوعات به گونه ای برگزار شده که روزنامه نگاران مستقل و حرفه ای جایی در آن ندارند و به جای آنها عرصه برای حضور چمقادران مطبوعاتی باز شده است.»

"عباس عبیدی" هم به عنوان پیشکسوت روزنامه نگاران در این جمع حضور داشت و در سخنانی کوتاه ضمن انتقاد از شیوه برپایی نمایشگاه مطبوعات در چهار سال اخیر گفت: «نمایشگاه مطبوعات در سالهای اخیر تنها به مکانی برای نمایش تبدیل شده است.»

عبیدی همچنین خطاب به مهدی کروبی نحوه برخورد با او در نمایشگاه مطبوعات را چنین شرح داد: «اقدامی که با شما صورت گرفت نتیجه بین بستنی است که برخی با آن روبرو شده اند. وقتی به سوال ها و ابهامات یک جریان پاسخ مناسب داده نمی شود، این جریان از هر امکانی برای پاسخ گرفتن استفاده می کند. نمایشگاه مطبوعات امسال هم چنین کارکردی دارد و هدف از برخورد با شما هم این بوده که باب پرسشگری بسته شود و آقایان معترض قید چنین حضورهای اجتماعی را بزنند.» عباس عبیدی در پایان البته برخورد با مهدی کروبی را نشانه موفقیت برنامه ها و اقداماتش دانست و ابراز امیدواری کرد که در نمایشگاه آینده روزنامه نگاران بتوانند میزبان مهدی کروبی و دیگر شخصیت های سیاسی اصلاح طلب باشند.

"عبدالرضا تاجیک" هم دیگر روزنامه نگاری بود که در سخنانی کوتاه اتفاق روی داده در نمایشگاه را نمونه ای دانست که در حال تبدیل شدن به یک رویه است و از حضور بعضی از روزنامه نگاران شاغل در روزنامه دولت در حمله به مهدی کروبی ابراز تأسف کرد و تبدیل شدن بزرگترین روزنامه کشور به محل جولان نظامیان را ناپسند دانست. تاجیک که خود منتی پس از انتخابات در زندان بوده است همچنین ابراز امیدواری کرد که تمامی روزنامه نگاران زندانی هر چه زودتر آزاد شوند.

در این جمع "مصطفی ایزدی"، از چهره های سیاسی و ستون نویس سالهای اخیر روزنامه های اصلاح طلب و به خصوص اعتمادملی نیز حضور داشت و بنا بر درخواست حاضرین دقایقی سخن گفت. ایزدی خطاب به مهدی کروبی گفت: «از ۱۲ سال قبل همیشه این صحبت مطرح بود که اصلاحات هزینه دارد و امروز این مساله به روشنی بر همگان اثبات شده است که اصلاحات بدون هزینه ممکن نیست. شما همانطور که خود هم در بیانیه هایتان تأکید کرده اید فرزند احمد (کروبی) هستید و تجربه سختی ها و فراز و نشیب های سالهای گذشته را دارید و امید این است که همچنان بر مواضع خود بایستید و الگوی دیگران باشید.»

"مهران کریمی"، از روزنامه نگاران با سابقه هم دقایقی سخن گفت و ضمن انتقاد از نحوه برپایی نمایشگاه مطبوعات یادآوری کرد که آقای احمدی نژاد به علت عدم توان پاسخگویی به روزنامه نگاران حتی حاضر به دیدار از نمایشگاه مطبوعات نشده است و خطاب به مهدی کروبی گفت: «به شما تبریک می گویم که همیشه در میان راه های سخت، میانبری امیدبخش برای تنفس ما ایجاد می کنید.»

"علی اکرمی"، روزنامه نگار عضو نهضت آزادی هم سخنران بعدی این دیدار دوستانه بود و درباره شیوه رفتار مهدی کروبی گفت: «مهدی کروبی برخلاف سیاستمداران که به علت مصلحت سنجی خیلی از اخبار را شفاف اعلام نمی کنند اما وارد حوزه روزنامه نگاری شده است و چیزهایی که قرار بوده در پستو بماند روی پیشخوان ریخته و در معرض دید همگان قرار داده است. همین شیوه عمل باعث شده که شیخ مهدی کروبی هزینه ای مضاعف برای اقدامات و روشننگری های خود بپردازد.»

"حسن اسدی زیدآبادی" هم بعد از صحبت های علی اکرمی لازم دید که شیوه منحصر به فرد مهدی کروبی در گزارشگری حقوق بشر را ستایش کند و نسبت به بی خبری از وضعیت احمد زیدآبادی و نحوه برخورد با او در زندان تکرار داد.

"رضا خجسته رحیمی" نیز در این دیدار با اشاره به اینکه همیشه روزنامه نگاران وقتی که با تحدید و توقیف و بازداشت روبرو می شدند برای بازگو کردن مشکلات خود نزد شما می آمدند و شما از آنها دلجویی می کردید، گفت: «این بار اما ماجرا به صورت طنزآمیز و ترازیکی به گونه ای دیگر است. این بار گویی خیاط در کوزه افتاده است و برای اولین بار این روزنامه نگاران هستند که آمده اند تا پای سخن شما بنشینند و شما از مشکلاتی که با آن روبرو بوده اید برایشان بگویند و آنها از شما دلجویی کنند.»

در این نشست چند تن دیگر از روزنامه نگاران هم در سخنانی کوتاه خواسته هایی را با شیخ مهدی کروبی در میان گذاشتند. این روزنامه نگاران راه اندازی یک روزنامه

واکنش همسر زیدآبادی به اظهارات دادستان:

بازجو: نمی گذاریم زید آبادی قهرمان بیرون برود



همسر احمد زیدآبادی دبیرکل دریند سازمان ادوارتحکیم، در واکنش به اظهارات امروز دادستان تهران، مبنی بر وضعیت خوب جسمانی احمد زیدآبادی گفت: "تا زمانی که موفق به ملاقات با همسرم نشوم، نمی توانم به این اظهارات اعتماد کنم". خانم محمدی، همچنین افزود: "اگر وضعیت جسمی او خوب است، چرا پس از گذشت ۴۴ روز از آخرین ملاقات اجازه دیدار ما را نمی دهند و چرا حداقل اجازه یک تماس تلفنی را هم از من و فرزندانم دریغ کرده اند". مهدیه محمدی ضمن ابراز تعجب از اینکه پس از گذشت چهارماه از بازداشت موقت احمد زیدآبادی هنوز گفته می شود که تحقیقات مقدماتی در جریان است، گفت: "به نظر می رسد که مساله قانون در میان نیست و پرونده زیدآبادی دچار مساله غیرقانونی و شخصی شده است، چرا که در این دوره بازجوی آقای زیدآبادی تاکید کرده بود که اجازه نخواهیم داد این بار هم قهرمان از زندان بیرون بروی". گفتنی است، امروز دادستان عمومی و انقلاب تهران به ایرنا گفت: "تحقیقات در مورد پرونده احمد زیدآبادی یکی از متهمان حوادث پس از انتخابات ادامه دارد و هنوز پرونده وی به دادگاه ارسال نشده است". عباس جعفری دولت آبادی در پاسخ به سوالی مبنی بر این که آیا پرونده زید آبادی به دادگاه ارسال شده است؟ گفت: "پرونده وی به دادگاه ارسال نشده است و تحقیقات در مورد پرونده وی ادامه دارد و به محض اتمام تحقیقات، اطلاع رسانی می کنیم". دادستان عمومی و انقلاب تهران در عین حال وضعیت جسمانی زید آبادی را خوب توصیف کرده است.

منبع: ادوار نیوز

جعفری، فرمانده کل سپاه:

شعله های آتش خاموش نشده است



محمد علی جعفری، فرمانده کل سپاه گفت: "حوادث و فتنه های خطر بزرگی را پشت سر گذاشته ایم و با حضور و آگاهی مردم در صحنه و هدایت حکیمانه رهبر این فتنه اخیر سرکوب شد؛ ولی نمی توانیم بگوییم فتنه ها کاملا سرکوب شده و شعله های آتش این فتنه خاموش شده است."

به گزارش خبرگزاری فارس از ارومیه، محمدعلی جعفری ظهر امروز در جمع طلاب و سپاهیان آذربایجان غربی گفت: "حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران از ادای نماز واجبتر است. باید بدانیم حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران به چه معنایی است و دشمنان داخلی نظام با حمایت دشمنان خارجی چه اهدافی را دنبال می کنند. هیچ فردی جرات بیان اینکه نظام جمهوری اسلامی باید از بین برود را ندارد و کسی به خود جرات نمی دهد اصل نظام جمهوری اسلامی و شکل نظام را مورد تحریم قرار دهد و از بین ببرد."

تمام قدرت های آمریکا هشت سال است که در کشورهای اطراف ایران مستقر شده اند تا نظام را از بین ببرند ولی حتی جرات ندارند ایران را تهدید کنند. ظلم ستیزی، ایستادگی در برابر زورگویی دشمنان و طرفداری از حق محتوای اصلی نظام است که متأسفانه تعدادی از عناصر داخلی که در مقاطعی همراه نظام بودند به دلایل مختلف با دشمنان قسم خورده نظام همراه و هم مسیر شدند تا محتوای جمهوری اسلامی را از بین ببرند.

وی گفت: این افراد شعار ظلم ستیزی نظام را زیر سوال می برند و در شعارهای انتخاباتی و مبارزات انتخاباتی خود این مسائل را بیان می کنند به طوری که در روز قدس باقی مانده و پسماندهای آنها سعی داشتند نظام را زیر سوال ببرند.

احمد زید آبادی



شکجه برای عذرخواهی از رهبر

گناه زیدآبادی این است که آیت الله خامنه ای را با عنوان «معظم» مورد خطاب قرار نداده است.

سازمان دانش آموختگان ایران (ادوار تحکیم وحدت) با صدور بیانیه ای، ضمن انتقاد مجدد از اتفاقات پس از انتخابات ریاست جمهوری، و بازداشت چهره های سیاسی، نگرانی شدید خود را از وضعیت احمد زیدآبادی، دبیرکل این سازمان ابراز داشته است. زیدآبادی جزو صدها چهره سیاسی و اجتماعی بود که در پی اعلام نتایج انتخابات، بازداشت شد؛ و اکنون به نوشته این بیانیه، بیش از ۴۰ روز است که هیچ خبری از وضعیت او در دست نیست.

محمد صادقی، عضو شورای مرکزی و شورای سیاستگذاری ادوار تحکیم وحدت، در گفت و گو با رادیو فردا می گوید که آقای زیدآبادی در آخرین ملاقات خود گفته بود: «تحت شکجه و فشار شدید قرار دارد تا در جلسه دادگاه، به خاطر نشر مقاله ای انتقادآمیز نسبت به رهبر جمهوری اسلامی، که در آن آیت الله خامنه ای را با عنوان «معظم» خطاب قرار نداده، علناً، عذرخواهی کند».

به گفته وی، احمد زیدآبادی در پی رد این درخواست، مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفته است.

آقای صادقی، وضعیت آقای زیدآبادی در حال حاضر چگونه است؟

محمد صادقی: پنج ماه از بازداشت غیرقانونی دبیرکل و سخنگوی سازمان دانش آموختگان ایران یعنی آقایان دکتر زیدآبادی و عبدالله مؤمنی می گذرد. آخرین خبری که ما از آقای زیدآبادی داشتیم مربوط به ۴۰ روز پیش است که همسر ایشان توانست یک ملاقات کابینی در زندان اوین با آقای زیدآبادی داشته باشد. اکنون ۴۰ روز است که خانواده او و اعضای سازمان دانش آموختگان نسبت به وضعیت آقای زیدآبادی در بی خبری کامل به سر می برند. همان طور که در خبرگزاری ها هم منتشر شد، آخرین صحبت های آقای زیدآبادی با همسرش صحبت های نگران کننده ای بوده است.

از چه نظر نگران کننده بوده است؟

آقای زیدآبادی در ملاقاتی که به صورت کابینی با همسر خود داشت، مطرح کرده که مدتی است بازجوی او را عوض کرده اند و فشارها و شکنجه های روحی و روانی بسیار شدیدی بر او وارد می کنند تا متن دفاعیه ای که نیروهای امنیتی و عوامل کودتا برای او آماده کرده اند را در دادگاه قرائت کند.

قرار بوده هم زمان با دادگاه آقای مؤمنی، دادگاه آقای زیدآبادی هم برگزار شود و در دادگاه به صورت دروغین و ساختگی اعتراف کند.

آیا آقای زیدآبادی به مواردی که در این اعترافات و متن دفاعیه آمده، اشاره کرده است؟

بله، او در آخرین ملاقات خود گفته است فشارهای زیادی که به او وارد می شود، بیشتر مربوط به نامه ای است که در فروردین ماه سال ۸۶ به آیت الله خامنه ای نوشته است. بازجویان به او گفته اند چون در این نامه از لفظ معظم برای آیت الله خامنه ای استفاده نکرده، باید در دادگاه در متن دفاعیات یا همان اقرارنامه خود از آقای خامنه ای عذرخواهی کند. گویا این امر مورد قبول آقای زیدآبادی قرار نمی گیرد و بازجوها به شدت او را کتک می زنند.

آقای زیدآبادی مطرح کرده که بازجوها به او گفته اند یا باید متن این دفاعیات را بپذیری و در دادگاه از رهبری عذرخواهی کنی و یا این برگه های بازجویی را در حلقومت فرو می کنیم و به خوردت می دهیم.

اکنون حدود ۴۰ روز از آخرین صحبت آقای زیدآبادی با همسرش می گذرد و ما در این مدت نسبت به سلامتی ایشان به شدت نگران هستیم.

در این مدت وکیل پرونده یا خانواده آقای زیدآبادی، موفق نشده اند با او ملاقات کنند؟

به هیچ عنوان، حتی یک تماس تلفنی هم با او نداشتند و آخرین صحبت ها مبتنی بر ضرب و شتم و فشارهای روحی و روانی او در زندان بوده است.

دسترسی به وکیل برای آقای زیدآبادی امکان پذیر نیست و وکلایی که قبل از بازداشت شدن از طرف خودش تعیین شده بودند، به پرونده او دسترسی ندارند. در هفته های گذشته ابتدا به یکی از وکلایی که پیگیر پرونده آقای زیدآبادی بود اعلام شد که قرار بازداشت ایشان به ۲۵۰ میلیون وثیقه تبدیل شده و خانواده این وثیقه را تأمین کردند، اما گویا اختلافی بین بازپرس پرونده و دادستان جدید انقلاب به وجود آمده و دادستان از قبول وثیقه معاف می کند و حبس آقای زیدآبادی ادامه می یابد.

آقای صادقی، در بیانیه ادوار تحکیم وحدت نوشته شده «جرم زیدآبادی این است که

متراکمترین واحد اختیارات را به آنکی مسئولیت فراخوانده است». منظور سازمان

دانش آموختگان ایران از این جمله چیست؟

متراکمترین نهادی که اختیارات بی حد و مرز دارد، جایگاه رهبری است و همان طور که گفتیم بیشترین فشار روی آقای زیدآبادی مربوط به نامه ای است که در فروردین سال ۸۶ خطاب به آیت الله خامنه ای نوشته و در آن کمی احساس مسئولیت از ایشان خواسته است و در یک نامه با ادبیات کاملاً محترمانه بعضی از مواضع و دیدگاه های رهبری را مورد انتقاد قرار داده است. امروز پس از گذشت دو سال از آن ماجرا، آقای زیدآبادی توان سنگین پرسشگری از جایگاه رهبری را پس می دهد.

هر گونه سوال و به چالش کشیدن رهبری در خصوص عملکرد و مواضع سرانجامی جز ضرب و شتم، بازداشت، محرومیت و محدودیت ندارد.

منبع: رادیو فردا



راههای سبز

۲.۲ اتحاد جمهوریخواهان ایران در نخستین همایش خود اعلام کرد برای استقرار نظامی در ایران می‌کوشد «که در آن یگانه منشاء مشروعیت حکومت رای مردم است و هرکس صرف نظر از جنسیت، تبار، عقیده و مذهب خود از حقوق و فرصت‌های برابر برخوردار است. تنها چنین نظامی می‌تواند همزیستی همه گرایش‌های سیاسی و آشتی ملی را در کشور تضمین کند و با مشارکت همه ایرانیان، شکوفایی اقتصادی، رفاه و تامین نیازهای اساسی شهروندان را امکان پذیر سازد.» اکنون خواست برابری حقوقی و تبعیت حکومت از رای مردم به یک خواست همگانی مبدل شده است.

۲.۳ اتحاد جمهوریخواهان ایران، خواهان تغییرات بنیادین در ساختار سیاسی کشور، جدائی دین از حکومت و استقرار دموکراسی در ایران است. ما خواهان انطباق قانون اساسی و مجموعه قوانین کشور با موازین اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های ضمیمه آن هستیم. مسیر تحقق این اهداف مبارزات جاری مردم است. اشاعه فرهنگ و اندیشه دموکراسی خواهی، زمینه سازی برای ایجاد و تقویت جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های صنفی، ارتقاء روحیه اعتماد، همکاری و همبستگی میان مردم، مهم‌ترین عرصه‌های فعالیت ماست.

۳. برای انتخابات آزاد

۳.۱ اتحاد جمهوریخواهان ایران دولت برآمده از کودتای انتخاباتی را به رسمیت نمی‌شناسد و خواهان عقب نشینی آیت الله خامنه‌ای ولی فقیه، استعفای دولت احمدی نژاد، تغییر قوانین ناظر بر انتخابات، لغو نظارت استصوابی، تامین آزادی بیان، تشکل، مطبوعات، رسانه‌ها و احزاب سیاسی، پایان دادن به دخالت فرماندهان سپاه در سیاست و اقتصاد، تضمین نظارت مردمی و بین‌المللی بر انتخابات است. اتحاد جمهوریخواهان ایران در جهت برگزاری انتخابات آزاد، سالم و عادلانه تلاش می‌کند.

۳.۲ اتحاد جمهوریخواهان ایران به مواضع شجاعانه آیت الله منتظری و ایستادگی آقایان موسوی، کروبی و خاتمی در برابر کودتاگران ارج می‌گذارد و ماده پیشنهادی آقای موسوی را به سود آزادی و تحقق پیش شرط‌های انتخابات آزاد می‌داند. بدیهی است که نقد و ارزیابی مواضع گرایش‌های سیاسی مختلف در مسیر حرکت جنبش سبز، به تکامل، انسجام و موفقیت این جنبش یاری می‌رساند.

۳.۳ راهبرد سیاسی اتحاد جمهوریخواهان ایران بر گذار مسالمت آمیز و گام به گام از استبداد به دموکراسی، طرد خشونت و کاربست اشکال مسالمت آمیز مبارزه، مقاومت مدنی، و تامین شرایط برگزاری انتخابات آزاد مبتنی است. اتکای ما بر جنبش‌های مدنی و اعتماد به انتخاب و قضاوت آزادانه آحاد مردم و گردن نهادن بر نتیجه آن است.

۴. مذاکره با آمریکا، پروژه هسته‌ای و حمایت از حقوق بشر

۴.۱ اتحاد جمهوریخواهان ایران از مذاکره مستقیم بین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا استقبال می‌کند و آن را گامی در جهت حل بحران هسته‌ای و در خدمت منافع کشور می‌داند. از دید ما تغییر در سیاست خارجی و گزینش راه مذاکره و تقویت همکاری و هم پیوندی با سایر اعضای جامعه بین‌المللی، پرهیز از ماجراجویی‌های منطقه‌ای، گسترش مناسبات متقابل با همه دولت‌های عضو سازمان ملل، مطمئن‌ترین راه تامین منافع ملی کشور است.

۴.۲ ما خواهان پایان دادن به اختلافات با ژانسیون بین‌المللی انرژی اتمی بر سر پروژه هسته‌ای ایران و غنی‌سازی اورانیوم، شفافیت رفتاری و اعتمادسازی بر اساس معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و پروتکل الحاقی آن، و جلب همکاری ژانسیون بین‌المللی انرژی اتمی برای انتقال دانش فنی به ایران هستیم.

۴.۳ ما دولت جمهوری اسلامی را به ادامه مذاکره با گروه ۵+۱ فرا می‌خوانیم.

۴.۴ ما پیگیر سیاست خاورمیانه‌عاری از سلاح‌های هسته‌ای هستیم.

۴.۵ ما از خواست اعزام نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل برای بررسی نقض حقوق بشر در ایران حمایت می‌کنیم. ما خواهان اعمال فشارهای سیاسی و دیپلماتیک بین‌المللی به جمهوری اسلامی برای رعایت حقوق بشر و احترام به آزادی‌های سیاسی و دموکراتیک مردم هستیم.

اتحاد جمهوریخواهان و حزب مشروطه ایران

دو هفته گذشته دو حادثه سبز ایرانی در اروپا روی داده است. اتحاد جمهوریخواهان درکنگره خود به اتفاق رأ تصویب کرد " جزئی از جنبش سبز " ایران است و حزب مشروطه ایران در قطعنامه کنفرانس اروپایی خود اعلام داشت درکنگره مردم ایران است. روزنامه سبز ضمن تبریک به رهبری و اعضای دو جریان سیاسی خارج از کشور، متون مصوبه را عیناً منتشر می‌کند.

قطعنامه سیاسی مصوب همایش چهارم اتحاد جمهوریخواهان ایران

برای تمکین حکومت به رای مردم، برای تامین حقوق شهروندان

• قطعنامه سیاسی، قبل از همایش چهارم اتحاد جمهوریخواهان ایران تهیه، تنظیم و انتشار یافته بود و در جریان همایش با توجه به نقطه نظرات، پیشنهادات و اظهار نظرهای شرکت کنندگان مجدداً بازبینی شد و بدون رای مخالف، به اتفاق آراء همایش به تصویب رسید.

حضور وسیع مردم در انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، شکل گیری جنبش سبز و موج تظاهرات و اعتراضات پس از آن نشانه عزم و اراده ملت به تغییر صحنه سیاسی و کسب حقوق شهروندی است. اتحاد جمهوریخواهان ایران با همه توان در تقویت، پیشرفت و اعتلای جنبش سبز، برای تامین حقوق شهروندی و برگزاری انتخابات آزاد در ایران می‌کوشد و جلب پشتیبانی ملی و بین‌المللی برای این خواست‌ها را وظیفه خود می‌داند. ما کودتای انتخاباتی ولی فقیه، دولت احمدی نژاد و بخشی از فرماندهان سپاه و سرکوب خونین مقاومت مردم را شدیداً محکوم می‌کنیم. رهبری نظام مسول اصلی بحران پس از انتخابات و بستن راه هر گونه تعامل و گفت و گو با معترضین برای خروج از بحران است.

۱. جنبش سبز

۱.۱ برآمد جنبش سبز مهم ترین تحول در تاریخ جمهوری اسلامی است. وجه مشخصه این جنبش گستردگی ابعاد آزادی خواهانه آن است. این جنبش سرمایه ای بزرگ برای رسیدن به آزادی و دموکراسی و منشا امید و گشاینده چشم انداز آینده است. این جنبش نقطه عطفی در مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران و ایستادگی آن‌ها در برابر سیاست‌های متکی بر زور و تبعیض است. جنبش سبز، جنبشی است مطالباتی، مدنی، مسالمت آمیز، با گرایش‌های نیرومند دموکراتیک.

۱.۲ جنبش سبز آئینه گوناگونی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نسلی جامعه ایران است.

جنبش سبز برخوردار از تجارب ارزشمند مبارزات مدنی زنان، دانشجویان، کارگران، روشنفکران و دیگر گروه‌های اجتماعی است. ارتقاء جنبش سبز در گرو تبدیل مطالبات این گروه‌ها به مطالبات عمومی است. این جنبش خواهان تغییر مناسبات تبعیض آلود بین زنان و مردان، اقوام و پیروان مذاهب و عقاید مختلف است.

۱.۳ جنبش سبز سیمای اصلاح طلبی و مرز موافقان و مخالفان اصلاحات در ایران را مشخص تر کرده است و در عین حال به شکل گیری طیفی از روحانیون مخالف سرکوب و انحصار قدرت، یاری رسانده است. جنبش سبز چهره روشنی از مردم، فرهنگ و تمدن ایران را در عرصه جهانی ترسیم کرده است.

۱.۴ اتحاد جمهوریخواهان ایران خود را جزئی از جنبش سبز ایران برای دفاع از حقوق شهروندی، دموکراتیک سازی عرصه سیاست و مناسبات اجتماعی می‌داند. ما با آگاهی بر چالش موجود میان تلاش برای حفظ و بسط دامنه جنبش و کوشش برای پیشبرد و ارتقاء سطح مطالبات آن، خود را ملزم به حفاظت از موجودیت جنبش و حمایت از دستاوردها و نقد کمبودها و نارسایی‌های آن می‌دانیم.

۲. ما چه می‌خواهیم؟

۲.۱ ما خواستار آزادی فوری بازداشت شدگان جنبش سبز، انتشار اطلاعات در مورد آسیب دیدگان رخدادهای اخیر، تشکیل کمیته حقیقت یاب و رسیدگی به شکایات مردم از مسئولان دولتی و همچنین معرفی، بازداشت و محاکمه آمران و عاملان سرکوب و کشتار مردم در خیابان‌ها و زندان‌ها هستیم و بر آزادی مطبوعات، احزاب، تشکل‌های مستقل کارگری و دیگر نهادهای مدنی پای می‌فشاریم.



"فاصله کنگره‌های پنجم و ششم حزب هم‌زمان با مرحله تازه‌ای در تحول رژیم اسلامی شده است که بی اغراق می‌توان گفت خطرناکترین دوران جمهوری اسلامی است ...

در این مرحله ... که از سال گذشته آغاز شده است ما با طرح گسترده و همه سویه‌ای برای زیر و رو کردن جامعه ایرانی، چنانکه می‌شناسیم، روبرویم. کوشش آگاهانه‌ای در راه است که ایران را سراسر در قالب تنگ یک جهان بینی ارتجاعی بریزند و هر کانون مقاومتی را در هر جای جامعه از ریشه بکنند. گروه تازه‌ای با ماموریت همیشگی کردن حکومت خود و بلندپروازی‌های خطرناک تسلط منطقه‌ای و فراتر از آن روی کار آمده است که هر نشانه سرزندگی جامعه ایرانی را تهدیدی برای موجودیتش می‌داند. انقلابی که روشنفکران و طبقه متوسط ایران به راه انداختند اکنون در یک چرخش کامل، با همه قدرتی که کشوری با توانایی‌های ایران به هر حکومتی می‌دهد کمر به درهم شکستن طبقه متوسط و آنچه از جنبش روشنفکری بتوان گفت بسته است. مسئله در دگرگونی سیاست‌ها و بدتر شدن وضع در اینجا و آنجا نیست. انقلاب دیگری در

جریان است که نه تنها بر واپسمانده‌ترین عناصر و لایه‌های اجتماعی تکیه دارد بلکه مصمم است همه جامعه را به سطح آنها پائین بیاورد. یک "طبقه جدید" تکنوکرات و نظامی با موافقت کامل خطرناکترین جناح "روحانیت" فرمانروا، می‌خواهد رسماً مالک همه منابع دارائی اصلی کشور شود و با به خدمت گرفتن تکنیک‌های دیکتاتوری‌های توتالیتر مدرن، میهن ما را به قرون وسطای خرافات و تاریک اندیشی بر گرداند. اسلامی کردن جامعه با قدرت تمام در جریان است و بمب اتمی، نگهدارنده نهائی "نظم نوین"ی خواهد بود که این تازه‌ترین شاگردان هیتلر خیال دارند بر ایران تحمیل کنند. سیاست‌های خارجی رژیم پس از یک دوره عادی کردن روابط با خانواده بین المللی، بار دیگر پا به مرحله رویارویی با بزرگترین قدرت جهانی و قدرت منطقه‌ای گذاشته است و امنیت ملی و حتی یکپارچگی ایران را بطور جدی به خطر می‌اندازد."

آنچه امروز در حکومت اسلامی می‌گذرد از بدترین پیش بینی‌های ما نیز خطرناکتر است و جلوگیری از آن نخستین اولویت هر نیروی است که نخواهد ایران را در چنان سیاه چاله‌ای ببیند.

در موضوع گفتگوهای امریکا و جمهوری اسلامی و مسئله تحریم اقتصادی رژیم در صورت ادامه برنامه تسلیحات اتمی، کنفرانس ضمن پشتیبانی از ادامه موفقیت آمیز مذاکرات جمهوری اسلامی و امریکا تاکید کرد که اگر سران رژیم اسلامی کار را به جایی برسانند که جز جنگ راهی نماند گزینه تحریم اقتصادی با همه آسیبی که به مردم وارد خواهد شد به مراتب ترجیح خواهد داشت. از نظر کنفرانس پیکار با جمهوری اسلامی و برقراری دموکراسی و حقوق بشر ارتباطی با روابط ایران و امریکا ندارد و مسئله‌ای مربوط به نیروهای آزادیخواه ایران است. پشتیبانی افکار عمومی جهان از پیکار آزادیخواهانه ملت ایران لازم است ولی هر تغییری در نظام سیاسی ایران به دست مردم خواهد بود.

پاینده ایران - زنده باد ملت ایران - حزب مشروطه ایران



قطعنامه کنفرانس اروپائی حزب مشروطه ایران

کنفرانس جنبش سبز



جنبش سبز مردم ایران نخستین جنبش بزرگ مردمی سده بیست و یکم در جهان، و مانند جنبش مشروطه آغاز سده بیستم، پیام‌آور دگرگونی بنیادی جامعه، و نظام و فرهنگ سیاسی ایران است.

تعهد همیشگی حزب مشروطه ایران به اندیشه‌ها و آرمان‌هایی که اکنون در جنبشی خود جوش به نام جنبش سبز جلوه‌گر شده است، عامل اصلی در نام گذاری کنفرانس امسال حزب در شهر کاسل بود. 1388 / 2009 پانزدهمین سالگرد پایه‌گذاری رسمی حزب مشروطه ایران است و هم‌زمانی خیزش مردمی در بهار امسال با سالگرد حزب برای ما به ویژه رویدادی فرخنده بود. ما، در کنار همه آزادیخواهان که نه تنها دموکراسی، بلکه دموکراسی لیبرال در چهار چوب اعلامیه جهانی حقوق بشر را می‌خواهیم همواره انتظار روزی را می‌کشیدیم که مردم ایران، نه بر گرد یک شعار یا یک شخص یا یک مقام بلکه در راستای گفتگمانی فراگیر که در آن از خودی و غیر خودی و تبعیض‌نشانی نباشد همسو شوند؛ و اراده و خرد فردی و جمعی خود را به جای پرستش و فرمانبری بگذارند.

امروز می‌بینیم که آرزوی ما دارد برآورده می‌شود. سی سال تجربه مشترک میلیون‌ها ایرانی در درون و بیرون و برخورد آراء از دو سوی مرزها، سی سال آشنائی نزدیک و دست اول با اندیشه‌ها و نظام‌های لیبرال‌دمکرات، پیشروترین لایه‌های اجتماعی ایران را در هر جا سرانجام وارد مدرنیته کرده است و این بزرگترین خوشبختی میهن ما در این روزهای سیاه تاریخ ایران است. خوشبختی بزرگ دیگر ما آن است که پیشروترین لایه‌های اجتماعی ایران به حد یک توده تعیین کننده رسیده‌اند. گسترش و ابعاد این لایه‌های پیشرو چنان است که دیر یا زود رژیم دیکتاتوری ارتجاعی را سراپا دگرگون خواهد کرد و جایش را به یک حکومت مردمی برای ایران و به دست ایرانیان خواهد سپرد.

با همه سرکوبگری‌ها جنبش سبز توانسته است خود را نگه دارد، و لایه‌فقیه را بی اعتبار کند، سراسر نظام جمهوری اسلامی را چنان به لرزه اندازد که دیگر به حال عادی بر نخواهد گشت. جنبش سبز همچنین توانسته است دیوارهای میان درون و بیرون را بردارد و فضای اجتماعات ایرانی را در هر جا سالم‌تر سازد به این معنی که از عوالم گذشته‌های خودشان کم یا بیش بیرون بیاورد.

جنبش سبز همچنین به بهترین صورت، بهبودی تلاش برای جدائی انداختن میان ایرانیان زیر عنوان هویت طلبی ثابت کرد. در چهار ماه گذشته نشان داده شد که یک ملت ایران بیشتر نیست و تنها با دموکراسی لیبرال برای ایران می‌توان حقوق اقوام و مذاهب گوناگون این ملت را بر پایه اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های پیوست آن در حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های قومی و مذهبی تامین کرد. بیرون بردن دین از قلمرو حکومت در عین بهرگیری از نمادهای مذهبی برای مبارزه با یک رژیم مذهبی به خودی خود دستاورد تاریخی جنبش سبز خواهد ماند. دیگر کسی نمی‌تواند تردید داشته باشد که جامعه ایرانی عرفی‌گرا شده است - پدیده‌ای یگانه در سراسر منطقه‌ای که آسیای جنوبی و آفریقای شمالی را با جمعیت‌های بیشتر مسلمان در بر می‌گیرد.

کنفرانس اروپائی کاسل، کنفرانس جنبش سبز، با اعلام پشتیبانی از جنبش مردمی ایران نقش حزب را کمک به پیشبرد مبارزه و دفاع از پیام دموکراسی لیبرال جنبش می‌داند. خودجوش بودن و سازمان نداشتن جنبش سبز در عین آنکه رشد نامحدود و پایداری آن را در برابر فشارها و رخنه‌گری‌های حکومت اسلامی امکان پذیر می‌سازد خطر انحراف و تکه تکه شدن را نیز در خود دارد. اما تا هنگامی که روح جنبش، سبز بماند، به این معنی که در پی رسیدن به بهترین‌ها باشد، جنبش، هم می‌تواند آزادی عمل سران خود را در "راه سبز امید" به وارد شدن در هر ائتلاف و دادن هر امتیاز تاکتیکی به منظور ادامه راه تحمل کند و هم آزادی عمل حرکت اعتراضی مردم را به دادن شعارهایی که سیاست‌های رژیم را نفی و آرمان‌های جنبش را ابراز می‌کنند. عمده آن است که جنبش از جریان اصلی دموکراسی لیبرال بیرون نرود و فدای مصلحت‌جویی یا بدتر از آن، فرصت‌طلبی نشود. در پیکار دراز و دشواری که جامعه شهروندی ایران در پیش دارد ما در کنار مردم، و تنها مردم، خواهیم ماند.

فوری‌ترین خطری که میهن ما با آن روبروست روند بالا گیرنده تسلط مافیای سپاهی-امنیتی بر همه شئون کشور است که اگر ادامه یابد ایران را به جنگال یک رژیم صدامی و اعماق چاه‌های چمکرانی خواهد انداخت. ما این خطر را سه سال پیش در قطعنامه کنگره ششم حزب (آخن 2006) به این صورت پیش بینی کردیم:



فراخوان سبزه‌های کلن برای ۱۳ آبان سبز

غول استبداد در حال زوال است

در سیزدهم آبانماه سال ۱۳۵۷ دانش آموزان آگاه میهنان در تهران و شهرهای بزرگ همراه و همگام با دانشجویان، علیه رژیم استبدادی پیشین و دولت کودتای ارتشید از هاری به میدان آمدند. قیام دانش آموزان در تهران و ایستادگی آنان در خیابانهای اطراف دانشگاه در نزدیکی ستاد ژاندارمری تهران و پیوستن آنان به صفوف دانشجویان در حوالی ظهر روز سیزده آبانماه با حمله رنجرها و گارد شاهنشاهی و نیروهای انتظامی به خون کشیده شد. دانش آموزان قهرمان برغم سرکوب، به تظاهرات و راهپیمایی‌ها ادامه داده و در بعد از ظهر همان روز به چادرهای دانشجویان که در صحن دانشگاه تهران بپا شده بودند پیوستند و تا حدود ساعت ۸ شب که شروع حکومت نظامی بود با شعار اتحاد، مبارزه، پیروزی حضور و پیوند خجسته شان را با دانشجویان اعلام کردند.

در سیزده آبانماه سال ۱۳۵۸، اما، در اولین یادمان روز دانش آموز، رژیم جمهوری اسلامی در کشاکش و فضای پراشتهای مبارزه ضد امپریالیستی و ضد آمریکائی و تسخیر سفارت بدست دانشجویان تندرو مذهبی، دولت ملی - مذهبی مهندس بازرگان را بزیر کشید. در پی آن رژیم فقهائی پله پله به سیاستهای سرکوب و فشار علیه زنان، جوانان، اقوام و اقلینهای مذهبی و عقیدتی روی آورد و به کشتار دگر اندیشان و دگرگیشان، از جمله سلطنت طلبان، بهائیان، مجاهدین، چپها و فعالان جنبش های قومی و غیره مبادرت نمود.

در طی سی سال رژیم جمهوری اسلامی در جریان سالروزها و اعیاد و مراسم سیاسی یا مذهبی، کشتاندن بخشی از مردم به صحنه را بعنوان دستاویزی برای سرکوب و فشار علیه مردم آگاه ایران بکار گرفته است.

اکنون اما، نوجوانان، جوانان، دانش آموزان، دانشجویان، نداها و سهراب ها، گردافریدها و سیاوشها، این عقابان و دلاوران جنبش آزادی خواهی ملت ایران بیدار و آگاه به صحنه پیکار آمده اند تا با رویارویی با نظام استبدادی دینی، برای رهایی و آزادی ملت و میهن داخواهی و نبرد نمایند.

دولت دروغ و کودتا با دزدیدن رای مردم، با اعمال حکومت نظامی پوشیده، با کشتار و اعدام، دستگیری، شکنجه، نمایش اعتراف گیری و تجاوز جنسی کوشیده است چندی به حیات ننگین خود ادامه دهد. مردم بیدار و آگاه ایران اما، با حضور میلیونی خود در خیابانها به رژیم ولائی نشان داده اند که آنان فاقد مشروعیت و صلاحیت و توانائی برای اداره و مدیریت کشور میباشند.

دولت کودتا قصد آن دارد، و نیز ناچار است، که با پول نفت و توانائی های نظامی به مقابله با جنبش میلیونی و امواج خروشان مردم بپردازد، مردمی که با جنبش گسترده و سبز خود و با آمادگی کامل، در هر فرصتی از روز قدس گرفته تا روز دانش آموز و روزهای دیگر به میدان آمده‌اند.

ایستادگی دانش آموزان در مدارس و خیابانها، مقاومت دانشجویان در سراسر کشور، امواج اعتصابات و نافرمانی مدنی در واحدهای کار و تولید، اطلاع رسانی آگاهان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از طریق دهها و صدها هزار وب نوشت و تلفنهای همراه، ایجاد شبکه های پیوسته اجتماعی و بالاخره تدارک دیدن تشکیلات و ساختاری مدرن و مجهز و متناسب برای یک جامعه مدنی راهها و شیوه هایی هستند که از رهگذار آن مردم به رویارویی با نظام ولائی برخاسته‌اند.

چهره ایران در هفته ها و ماههای آتی بواسطه جدال و کشمکش نیروها در درون ارگانها و دستگاههای حکومتی و در بین روحانیت شیعه و بدلیل بیشتر چیره گشتن نیروهای مردمی، که از پیگیری خواستها و مطالبات اقتصادی - اجتماعی، آزادیخواهانه و حقوق بشری آنان نشأت میگیرد، بنفع نیروهای ملی و دموکرات تغییر خواهد یافت.

دزدی رای و سرکوب مردم و برپائی دولت کودتا، تسخیر قوه مقننه و قضائیه هیچیک به معنای این نیست که آنان بتوانند در پائیز و زمستان سخت و سردی که در پیش رو داریم جامعه و مردم را به سکوت وادار نمایند، یا راه حل موثری را برای بحران هولناک اقتصادی و سیاسی موجود در ایران اتخاذ کنند.

دانش آموزان آگاه میهن! ما دانشجویان و سبزه های کلن به نیروی شما، به نیروی بیش از ده میلیون دانش آموز و دو و نیم میلیون دانشجو در سراسر کشور باور داریم. ما باور داریم که غول استبداد و دیو برفی ریختنی و در حال زوال است. به چهره های ترس خورده خامنه ای و احمدی نژاد، به حرفهای پر از وحشت و پریشان مصباح یزدی ها، به خوف و ترس در چهره لاریجانی ها، به تلاش های مذبحخانه عسگر اولادی ها برای یافتن راه اتحاد، به حماقت و دربوزگی اوباشان رهبری سپاه و بسیج که با پول، صاحبان خود را نیز خواهند فروخت و جزء اولین فراری ها قرار خواهند گرفت، نگاه کنیم. آنها اکنون آخرین ترفندهای خود را به کار میگیرند.

دانش آموزان و دانشجویان! دوستان همزم! شما با فکرهای دوراندیشتان، با قلبهای پرشورتان، با قلم های سبزتتان، با دستهای تواناپتان و با اراده های استوارتان در راه زاینده، رویش، ژرفش و گسترش جنبش آزادیخواهی و سبز ایران قهرمانانه میکوشید. قلبهای ما در این سوی مرزها، هم پیمان با شما در همه لحظات حساس برای آزادی میهن و جانهای عزیز شما می تپد. گذشت ها و فداکاری های شما و مادران و پدران که با سرمایه های زندگیشان برای آزادی ملت و میهن به میدانهای پرمخاطره پیکار و دادخواهی شتافته‌اند، به جهانیان آشکار گشته است. ما پیگیرانه خواهیم کوشید که با پشتیبانی از شما در روز دانش آموز، صدای پرخروش اتحاد شما با دانشجویان و دیگر مردم آگاه و سبز میهن را، هرچه بیشتر به گوش جهانیان برسانیم.

«شما ای قله‌های سرکش خاموش، که پیشانی به تندرهای سهم انگیز می‌سازید، که بر ایوان شب دارید چشم انداز رویائی، که سیمین پایه‌های روز زرین را به روی شانه می‌کوبید، که ابر آتشین را در پناه خویش می‌گیرید؛ غرور و سربلندی هم شما را باد! امیدم را برافرازید، چو پرچمها که از باد سحرگاهان به سر دارید، غرورم را نگه دارید، به سان آن پلنگانی که در کوه و کمر دارید.»

زمان: ساعت پنج و نیم بعدازظهر روز ۱۳ آبانماه ۱۳۸۸ خورشیدی برابر با ۴ نوامبر ۲۰۰۹ میلادی
مکان: میدان هوی مارکت - کلن

لطفا چتر و لباس گرم به همراه داشته باشید.

جوانان و دانشجویان سبز کلن جمعیت پشتیبانی از مبارزات دموکراتیک مردم ایران





تحلیل هفته نگرانی کودتاچیان سر دبیر



شهر بزرگ را هم بر می کنند. راه حل را روحانیون هم پیمان بانظامیان ارائه می دهند. کاظم صدیقی، امام جمعه موقت تهران که تا زگی به این سمت منصوب شده است، جمعه اول آبان ماه در نماز جمعه با تاکید بر لزوم اصلاح کتب دانشگاهی علوم انسانی در ایران می گوید: "برخی استادان این رشته ها هم مانند این کتاب ها که از غرب رسیده، رنگ غرب گرفته اند. گاهی انسان در این فتنه ها انقدر که از اشرار ترس دارد باید از این کتب هم بترسد. لازم است انقلابی مانند انقلاب اول در دانشگاههای ایران صورت گیرد. استادان دانشگاه باید با مطالعه قرآن کتب های تازه ای در این عرصه بنویسند و دنیا را در چارچوب علمی نجات بدهند."

این روحانی عهد بوق مانند باران نظامی و امنیتی جوانش فکر نجات "جهان" است؛ اما میرحسین موسوی که حتی از حضورش در جشنواره مطبوعات هراس دارند، نگران "ایران" است. او می گوید: "خطر بزرگ ایجاد وضعیت انفجاری است."

همین روز هاست که نظامیان اجازه ورود به پاکستان را می خواهند تا اعضای گروه جند اله را دستگیر کنند. شاید یازده نظامی ایرانی هم که در مرز توسط دولت پاکستان دستگیر شده اند، دستور داشته اند که این ماجراجویی بزرگ را کلید بزنند.

آخرین خبر حکایت از آن دارد که: یک مقام محلی در یمن به خبرگزاری های بین المللی گفت "ریک کشتی ایرانی حامل اسلحه که گفته می شود برای شورشیان شیعه شمال این کشور ارسال شده بود به همراه خدمه آن در دریای احمر و نزدیکی خلیج عدن توقیف شده است. پنج خدمه ایرانی این کشتی در حال حاضر تحت بازجویی اند." آدم کشتی در داخل، ماجراجویی های ایران بر باد ده در نزدیکی ایران، به وقت کشتی در برنامه اتمی پیوند می خورد.

علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی هم که مانند باهنر و کیهان به "اتاق فکر" کودتاچیان وصل است، با متهم کردن کشورهای غربی به نوعی «فریبکاری» گفت که «معادله دادن سوخت، در قبال دریافت سوخت از ایران، هیچ توجیه قانونی و عقلی ندارد».

هنوز جوهر امضای توافق نامه هفته گذشته در ژنو خشک نشده، که رضا تقی زاده در سایت فارسی بی بی سی از «خطای پر هزینه ایران» صحبت به میان می آورد. روز بعد خبرگزاریها اعلام کردند: "تهران می گوید هفته آینده به معامله پیشنهادی که هدفش رفع تنشها بر سر برنامه هسته ای ایران است پاسخ خواهد داد."

کارشناسی که مساله اتمی جمهوری اسلامی را بدقت دنبال می کنند، اظهار نظر کردند که موافقت ژنو برای جلوگیری از بحران لو رفتن نیروگاه مخفی قم توسط شهرام امیری- دانشمند هسته ای ایرانی که که با اسناد مدارک کامل بعنوان حج عمره به عربستان رفت و گفته می شود به آمریکا پناهنده شده- بوده است. از همان زمان پیش بینی می شد که جمهوری اسلامی دور تازه ای از سیاست وقت کشتی را آغاز کند.

وقتی محمد رضا باهنر گفت که رهبر مخالف مذاکره آمریکاست، و کیهان تهران نیت زدن نظام دستان خونین او با را نمی فشارد، پیش بینی کارشناسان رنگ و واقعیت گرفت. و جواب تهران در اواسط هفته، همان است که انتظار می رفت. قبول کلیات و نیاز به اصلاحات عمیق در مورد جزئیات.

خاور سولانا می گوید پیش نویس توافق وین نیازی به انجام تغییرات اساسی ندارد: "دستیابی به این توافق معامله خوبی بود و من فکر نمی کنم، نیازمند تغییرات اساسی باشد."

وزیر امور خارجه فرانسه نیز از «وقت کشی» ایران می گوید و از احتمال تشدید تحریمها علیه تهران خبر می دهد.

کاخ سفید اعلام می کند: در جریان مذاکره تلفنی باراک اوباما، رییس جمهوری آمریکا، با دیمیتری مدوف، رییس جمهوری روسیه، و نیکلا سارکوزی، رییس جمهوری فرانسه، رهبران سه کشور از پیش نویس طرح تبدیل اورانوم به سوخت هسته ای مورد نیاز راکتور تحقیقاتی تهران به طور کامل حمایت کرده اند.

ژنرال جیمز جونز، مشاور امنیت ملی رییس جمهور آمریکا روز سه شنبه به ایران هشدار می دهد که اگر در باره پرونده ای هسته ای همچنان مقابله جویی کند و اشتگتن دست به اقدامات ملموس می زند.

او تاکید می کند: «هیچ چیزی از روی میز برداشته نشده است.» پیداست که از حمله نظامی سخن می گوید.

و هنری کسنجر که گویا درخواست پنهان جمهوری اسلامی را آشکار می کند، می گوید: "ضروری است که به مقامات ایرانی اطمینان دهیم امنیت ایران در دراز مدت تضمین خواهد شد. بدین ترتیب خواهیم توانست آنان را به عدم حمایت از حماس فلسطین و حزب الله لبنان متقاعد کنیم. دیپلماسی ای که بی شک روس ها نیز باید در آن دستی داشته باشند."

شاید هم کمال اردوغان که شیک و پیک خودش را به تهران می رساند و در خبر هاست که برای "میانجیگری" آمده، همین پیام را دارد. نظام که عادت ندارد به مردم ایران خبر بدهد؛ باید منتظر ماند تا مقامات و رسانه های "محرم" استکباری دهان باز کنند چیزی بگویند تا مردم "بیگانه" ایران بفهمند دارند برایشان چه تصمیمی می گیرند.

تحلیگر سیاسی بی بی سی در باره سفر نخست وزیر ترکیه به جمهوری اسلامی، برواقعی دست می گذارد که دل هر ایرانی را به آتش می کشد: "ترکیه، بدون برخورداری از منابع خام و تنها با تجدید نظر در تعریف قدرت و روش های دست یافتن به غرور ملی واقعی، اینک به یک قدرت جهانی تبدیل شده و در جایگاه یک ابر قدرت

وقت را می کشند، آدم ها را می کشند، روح را می کشند، زندگی را می کشند و در این "بن بست" به راه خانمانسوز سی سال رفته بر می گردند.

هفته اول آبان ماه 1388 با رقص چند زندانی دیگر بر بالای دار آغاز می شود. سیاسی نیستند این چهار مردو یک زن. اتهامشان در "بهشت واردکنندگان و جهنم صادر کنندگان" که جمهوری اسلامی باشد، دزدی و فساد است.

خبر های هفته می گوید " احمدی نژاد با 220 میلیارد دلار واردات در چهار سال گذشته، بزرگترین وارد کننده در تاریخ ایران است." چهار سالی که در آن 660 میلیون دلار ناقابل گمشده و 18.5 میلیارد دلار دیگرش را که سپاه قاچاقی به ترکیه فرستاده، نصیب دولت ترکیه شده است.

نتیجه این سیاست که حاصلش به جیب تجار مولفه و فرماندهان سپاه می رود، فقط در یک هفته این است:

"سازمان ملل: ایران بزرگترین مصرف کننده مواد مخدر در جهان است. سازمان ملل متحد روز چهارشنبه اعلام کرد: طی سال ۲۰۰۸ چهارده تن هرویین و چهار صد و پنجاه تن تریاک در ایران به مصرف رسیده است که این کشور را به بزرگترین مصرف کننده مواد مخدر در جهان تبدیل کرده است."

"ایلنا: ترافیک فقرا در دلهیزهای کار؛ گزارش از کارگرانی که برای ۲۰۰ هزار تومان ۱۲ ساعت جان می کنند: در همه شهر که گم می شوی این تنها کارگران هستند که

می توانند تو را با خود به انتهای درد بکشانند و بوی ناخوشایند زندگی را روی سرت پخش کنند. باور کنید این یک واقعیت است؛ کارگر بودن در روزگار امروز اقتصاد ایران سخت شده است و طعم گس زندگی را در گوشه دهان همیشگی می کند. البته راه برای همه باز است. یعنی هر کس که بیکار است می تواند برای درنگی جامه کارگری بر تن کند."

"هزار تن از کارگران مخابراتی راه دور شیراز روز گذشته با تجمع در مقابل استانداری فارس علیه احمدی نژاد و وعده های دروغش شعار دادند. پرداخت حقوق آنها ۹ ماه به تعویق افتاده و حالا به ۹ میلیارد تومان رسیده است."

کارگران که شعار می دهند: «انرژی رو رها کن فکری به حال ما کن» خود را اهل غزه می خوانند تا مگر بابخشی از دلارهای ارسالی به غزه برای فرزندان گرسنه خود نان تهیه کنند. این فریاد باور نکردنی کارگران شیرازی است: "استادار، فرماندار، ما اهل غزه هستیم" و «فرماندار فارس که پیش تر فرمانده سپاه شیراز بوده است» دستور دستگیری آنها را می دهد.

آنها هم که بر دار می شوند، کسانی از میان جمعیت انبوه بیکاران، گرسنگان و معتادانند. و همه قربانی

برنامه خصوصی سازی که به گفته "یداله اسلامی" چیزی نبود جز «اختصاصی سازی نظامی» بعد از تغییر اصل 44 قانون اساسی که توسط رهبر انجام شد.

اعتراضات در دانشگاهها ادامه دارد. شعار مرگ بر دیکتاتور به مشهد و اهواز می رسد. روحانیونی که پیشان لب گور است، راه حل را ارائه می دهند.

کسانی که دهان باز کنند و از این کشتن روح و جسم، از نابودی قدم به قدم ایران بگویند، عاملان

"فتنه" اند. اینان یا باید چون سیامک پور زند، روزنامه نویس 78 ساله در حبس خانگی و دکتر محمدملکی هفتاد و پنج ساله با تن بیمار در محبس کودتاچیان، گام به گام به سوی مرگ بروند؛ یا باید چون هنگامه شهیدی جان خود را دست مایه مرگ یا زندگی کنند. یا مانند احمدزیدآبادی زیر مخوف ترین شکنجه ها بروند تا از "رهبر" عذر بخواهند. و یا در صف بسیاران در سلول های انفرادی زندان های مخفی سپاه باشند. و در حکومتی که به گفته مجید محمدی «نظام اخلاقی اش جز تحمل، آزمندی، نیرنگ و دروغ»

نیست، فریاد و اسلامش جهان را پر کرده و رئیس دولتش که آن ماه می خواست با چاوز مثلا کمونیست برای اداره جهان برنامه بنویسد، و این هفته اردوغان مسلمان را شریک راه می کند، حتی برگزاری دعای کمیل هم مجاز نیست.

مامورین امنیتی دولت "امام زمان" به مجلسی حمله می کنند که بستگان زندانیان سیاسی دارند "دعای کمیل" می خوانند. همه را می گیرند؛ نوزده نفرشان را به زندان اوین می فرستند.

آنفلوآنزای خوکی همه گیر شده است، کلاس ها نیمه تعطیل است. خانواده ها را اسانند. راه حل را مثل همیشه نظامیان در استین دارند: سردار سرتیپ دوم پاسدار محمدصالح جوکار، که رئیس بسیج دانش آموزی باشد، خبر می دهد: "ما تا کنون در مدارس راهنمایی و متوسطه واحدهای مقاومت داشتیم و امسال در شش هزار مدرسه ابتدایی نیز واحدهای مقاومت دانش آموزی را تشکیل خواهیم داد. طی روزهای آینده یعنی در ایام هفته بسیج دانش آموزی، واحدهای مقاومت امیدان در سطح مدارس ابتدایی کل کشور تشکیل می شود. این واحدها وظیفه ترویج فرهنگ بسیجی را خواهند داشت و مسوولیت این امر بر عهده معلمان بسیجی گذاشته شده است."

موج اعتراض های دانشجویی به مشهد و اهواز می رسد. فریاد "مرگ بر دیکتاتور" این دو



حقوق متهم مینا جعفری

1- متهم: فردی که گمان می رود کار مجرمانه ای انجام داده است ولی هنوز ثابت نشده است. در صورت اثبات شود دیگر به او متهم اطلاق نمی شود و مجرم نام خواهد گرفت. مانند زمانی که فردی را به عنوان مظنون به قتل متهم کرده اند که در صورت اثبات در دادگاه به وی مجرم می گویند.

نکته: اثبات اتهام به عهده متهم نیست بلکه هر آنکه وی را متهم نامیده است باید گناهکار بودن فرد متهم را به اثبات برساند. اصل 37 قانون اساسی نیز اصل را بر بی گناهی و برائت افراد قرار داده است مگر آنکه گناهکار بودن فرد با دلایل و مدارک و در دادگاه صالح و عادلانه اثبات شود. دلایل ارایه شده توسط شاکی اعم از فرد عادی و یا دولت باید هم اثبات کننده این موضوع باشد که از یکسو جرمی رخ داده و از سوی دیگر جرم را متهم انجام داده است. در صورت فقدان دلایل و مدارک، دادسرا حق ندارد فردی را به عنوان متهم احضار و از وی تحقیق به عمل آورد. بنابراین هیچ کسی را نمی توان بدون ارایه دلیل در مظان اتهام قرار داد. فراموش نشود که در اتهامات سیاسی نیز متهم باید دلایل و مدارک اثبات کننده اتهام را از طرف شکایت که در اکثر موارد دادستان می باشد در خواست کند که بازپرس و دادیار باید با حفظ بی طرفی صرفاً این دلایل را به متهم ارایه نمایند.

2- انواع جرایم: جرایم از یک نظر به دو دسته مشهود و غیر مشهود تقسیم می شوند. الف) جرایم مشهود: جرایمی هستند که یا در برابر چشمان نیروی انتظامی اتفاق می افتد یا بلافاصله بعد از وقوع، مأموران در محل حاضر شده و آثار و علایم جرم را مشاهده می کنند یا در یک محیط بسته مثل خانه یا محل کار اتفاق می افتد و مأموران با خبر شده و در محل حاضر شده اند و صاحبخانه به مأموران اجازه ورود می دهد و یا شخصی که مورد آسیب واقع شده فردی را به عنوان متهم به مأموران معرفی کند و همچنین در صورتی که متهم ولگرد باشد (کسانی که محل سکونت یا محل کار ثابتی ندارند). ب) جرایم غیر مشهود: جرایمی هستند که در خفا و به دور از چشم مأموران اتفاق می افتد و با شکایت شاکی خصوصی و یا دادستان مطرح می شوند.

نکته: فایده این تقسیم بندی آن است که در جرایم مشهود مأموران می توانند بدون دستور مقام قضایی نسبت به دستگیری و جلب متهم و هدایت او به کلانتری اقدام کنند. در صورتی که در جرایم غیر مشهود که با شکایت شاکی خصوصی و یا دادستان مطرح می شوند مأموران حق ندارند بدون دستور مقام قضایی اقدام کنند.

3- حقوق متهم در هنگام جلب یا دستگیری:

الف) در جرایم مشهود: در این جرایم که مأموران می توانند بدون دستور مقام قضایی متهم را دستگیر و به کلانتری هدایت کنند باید صورت جلسه ای تنظیم و به امضای حاضرین و متهم رسانده و گزارش تهیه نمایند و گرنه هیچ مرجع انتظامی یعنی پاسگاههای کلانتری حق ندارند بدون صورت جلسه و گزارش و امضای مأمور مربوطه، متهمی را به کلانتری تحویل دهند در غیر این صورت هم مأمور و هم مرجع انتظامی مرتکب تخلف می شوند. پس از بازداشت، مرجع انتظامی که متهم به آنجا تحویل شده باید حداکثر ظرف 24 ساعت متهم را به مرجع قضایی صالح تحویل دهد در غیر این صورت مأمور مربوطه مرتکب بازداشت خودسرانه می گردد.

نکته: در این گونه جرایم، مأموران حق تعرض و یا توهین به متهم را ندارند و گرنه متهم می تواند از مأمور مربوطه شکایت کند.

ب) در جرایم غیر مشهود: در این گونه از جرایم، دستگیری و یا جلب متهم فقط با دستور و حکم خاص قضایی که به نام متهم صادر شده باشد صورت پذیرد. قاضی نمی تواند بدون وجود دلایل کافی متهمی را حتی احضار کند چه برسد به اینکه او را جلب کند. برگ جلب باید حاوی نوع اتهام و محل حضور باشد.

نکته: برگ جلب زمانی صادر می شود که از قبل احضاریه ای برای متهم صادر شده باشد و با وجود اطلاع متهم از احضار، بدون عذر موجه در دادگاه حاضر نشده باشد. جلب باید در روز به عمل آید مگر اینکه فوریت داشته باشد که تشخیص آن با قاضی است که مکلف به اعلام آن در صورت جلسه است. مأموران در هنگام جلب حق ورود به منزل ندارند مگر آنکه قاضی مربوطه در برگ جلب صادره، دستور ورود به مخفی گاه را نیز صادر کرده باشد.

4- حقوق متهم پس از احضار و یا جلب:

الف) تقهیم اتهام و دلایل آن: فرد دستگیر شده در جرایم مشهود و غیر مشهود باید از همان ابتدای امر بداند به چه دلیلی و به چه نوع جرمی مورد اتهام واقع شده است. این امر باید به طور کتبی انجام شود.

ب) حق استفاده و وکیل: انتخاب وکیل برای استفاده از حق دفاع است که از حقوق ابتدایی هر شهروند ایرانی به شمار می رود. در اغلب سیستمهای حقوقی مدرن، همراه داشتن وکیل در تمامی مراحل تحقیق و رسیدگی از حقوق اساسی هر شخصی است.

ج) منع تهدید و شکنجه متهم: مرجع تحقیق کننده تحت هیچ عنوانی و در هیچ شرایطی حق ندارد در هر گونه سوالی که به نظر خودش لازم است مطرح کند. سوالهای که از متهم می شود باید در ارتباط با موضوع اتهام باشد یعنی قاضی حق ندارد سوال های غیر مرتبط با موضوع اتهام را از متهم بپرسد؛ یعنی سوالهایی که پاسخ آنها هیچ تأثیری در کشف حقیقت

منطقه ای قرار گرفته است. از این لحاظ ترکیه، با جمعیتی مساوی، در مسابقه توسعه اقتصادی، با دست خالی از ایران که برخوردار از منابع و درآمدهای باد آورده نفت و گاز بوده، با فاصله زیاد پیشی گرفته است."

و حالا ترکیه در "نقش برادر بزرگتر" به هوای مشارکت در درآمد خداداد میلیارد دلاری" پارس جنوبی" آمده است. بیهوده نیست که اردوغان طرف کودتا چیان را می گیرد، مجیز رئیس دولت کودتا را می گوید و بیشتر از صدتن تاجر محترم ترکیه که همراهش هستند برایش کف می زنند.

خانم ها، آقایان اوضاع میهن زخمی در پایان هفته اول آبان ماه 1388 از این قرار است: بیژن صف سری معتقد است "در این سرزمین اهورایی، هراز گاهی "قحطی خدا" بوده است؛" راست می گوید حالا هم "قحطی خداست" و البته وفور نماینده خدا و نایب امام زمان. یکیشان همین رئیس دولت کودتا که این هفته ناگهان "اصلاح طلب" واقعی از کار در می آید و می گوید "نخبگان و روشنفکران" هم به او رای داده اند.

د ارو دسته اش هم دارند برای سیزده آبان که قرار است سبز شود خط و نشان می کشند. باز هم "مردم" باید بیایند و در حالیکه نماینده کودتاچیان دارد با آمریکا مذاکره می کند، شعار مرگ بر آمریکا بدهند.

سردار علی فضلی، فرمانده سپاه سیدالشهدای استان تهران می گوید: "کانون فتنه اعلام کرد که در روز 13 آبان شیطنت هایی را خواهد داشت، در این زمینه نیز باید هوشیار باشیم و غفلت نکنیم. اگر نگران نباشیم در آینده مشکلات جدی تری را خواهیم داشت." او هم مانند علی جنئی "نگران" است. مبدا سبزه ها بیایند و شعار بدهند:

- نه شرقی، نه غربی دولت سبز ملی
- اوباما اوباما یا با اونا یا با ما
- نه دولت کودتا نه منت امریکا

مهدی کروبی گفته است که در راهپیمایی شرکت می کند. اعلام حضور جمع روحانیون مبارز هم یعنی آمدن محمد خاتمی. هرچند او هم هنوز - غروب چهارشنبه - مانند مهندس موسوی اعلام علنی برای حضور نکرده است.

کروبی که هر روز دلاورتر ظاهر می شود، درست می گوید: "وضع در اردوگاه مخالفان ما نگران کننده است."

کاربه جانی رسیده که کودتا چیان - چنانکه عبد اله نوری می گوید - نه تنها از نمادهای رنگ سبز، حتی از دعای کمیل هم می ترسند. بیهوده نیست که دادستان کل کشور هم در روزهای آخر هفته مأمور فیلترینگ محتوای اینترنت می شود.

کودتا چیان همانطور که فرمانده سپاه می گوید، می دانند: "ولی نمی توانیم بگوییم فتنه ها کاملاً سرکوب شده و شعله های آتش این فتنه خاموش شده است." پس برای خاموش کردن آتش سبزه با تمام قوا می کوشند فضا را با ایجاد رعب و ترس آرام نگاه دارند و موسوی و کروبی را از جنبش سبز دور کنند. طرح "وحدت ملی" رفسنجانی روی میز رهبر مانده است. مهدوی کنی در پی تشکیل کمیته هفت نفره ای است به همین نام. همه قدرت "راست" به تلاش افتاده که بدون مردم به وحدت ملی برسد. حامی اصلی طرح رفسنجانی، یعنی حبیب اله عسگر اولادی که سرکردگان حزبی نظریه پرداز و برنده اصلی سیاست "واردات" هستند، گویا مأمور شده موسوی و کروبی را به سوی "قدرت" بکشند.

او می گوید: «متأسفانه دو نامزد انتخابات موجب تفرقه در جامعه شدند، حتی اگر بگویند این جنبش عرضی نداشتند. ما باید به این دو نامزد بگوییم به آغوش رهبری و مردم برگردند. اینها اگر خواسته باشند به آغوش رهبری، مردم، قانون اساسی بر گردید هیچ مشکلی وجود ندارد و وحدت تنها در سایه ولایت و قانون اساسی شکل می گیرد.»

و رهبران نیمه مدرن جنبش مننی مدرن ایران حرف موسوی را می زنند: "هیچ وحدتی بی ملت ممکن نیست."

و مثل کروبی می دانند: "نیاید از میدان به در برویم." برای اولین بار بعد از انقلاب اسلامی، حلقه های آزادی در داخل و خارج کشور پیوند می خورد و نه در هیات افراد، بلکه در جامعه گر و همای سیاسی. بعد از حزب مشروطه، نوبت اتحاد جمهوریخواهان ایران" می رسد که در رکنگره خود تصویب کند: "جمهوریخواهان ایران خود را جزئی از جنبش سبز ایران برای دفاع از حقوق شهروندی، دموکراتیک سازی عرصه سیاست و مناسبات اجتماعی می داند."

و میدان نزدیک، 13 آبان است. چنین روزی در سال 1358 تند روی انقلابی با اشغال سفارت آمریکا، سه دهه درگیری و مشکل برای ایران آفرید. امسال رهبر دانشجویان - موسوی خویینی ها - زیر شدیدترین حملات است. برجسته ترین آنها که لباس انقلاب را با تن پوش اصلاح عوض کردند، در زنداندند. و رئیس دولت زندانبانان هم کسی است که موافق حمله به سفارت آمریکا نبود و راه سفارت شوروی را نشان می داد.

او که محمود احمدی نژاد نام دارد، راهش از شکنجه گاه اوین گذشت و به سپاه رسید. او امروز دست در دست "ک گ ب" که وارث اتحاد شوروی شده است، راه سازش مخفیانه با آمریکا را دنبال می کند. امری که موسوی و کروبی در دومین دیدار خود آن را مورد بررسی قرار می دهند.

و امسال کودتاچیان شاخ و شانه می کشند. گفته اند: "سه میلیون دانش آموز بسیجی در مراسم مبارزه با استکبار جهانی در راهپیمایی مقابل لانه جاسوسی حضور ی سازمان یافته خواهند داشت"، "تا فریاد "مرگ" سر دهند.

سبزه ها در شبکه های اجتماعی دست در دست هم می دهند و تدارک حضور ی با شکوه و آرام را می بینند. سبزه ها به سوی آفاق، به جانب "زندگی" می روند.



تلاش برای مصادره یک نماد تقی روزبه

نام ندا با برآمد جنبش نوین مردم ایران همزاد استو با آن گره خورده است. او اکنون به یکی از سمبل های شاخص جنبش مقاومت تبدیل شده است. البته برای کسانی که معنای وجودی نمادها را در نخبگان، رهبران بی بدیل و قهرمانان یک تاز جستجو می کنند این گونه نمادگرایی چیز غریبی است. با این همه نام و یاد و تصاویرش با جنبش و نبض آن در هم آمیخته است. شعارها، ترانه ها، آهنگ ها و نمایه های گوناگونی او را فریاد می کنند و به تصویردرمی آورند و بیخودان او هر لحظه در ذهن و یاد مردم و در ادبیات و هنر مقاومت به حیات خویش ادامه می دهد. آری نام و یاد او بانقض جنبش و هنر مقاومت بهم آمیخته و بیان زندگی می کند و هر بار که جنبش نفسی می کشد او را از وجودی می کند او هم نفس می کشد و خود را نشان می دهد. گویی که دایما همراه ماست و در میان امواج جمعیت پیچ و تاب می خورد و در حال شعار دادن است: در پلا کاردها و در هزاران تصویر و شعار حک شده بر در دیوار او در ضمیر و حافظه جمعی امان.

توصیف رموز از تبدیل شدن وی به نماد جنبش مقاومت البته امر آسانی نیست و با ترکیب پیچیده ای از عوامل گوناگون و فراهم شدن شماری شرایط لازم و کافی گره خورده است.

فقط این را می دانیم که اگر قرار است جنبشی نماد یابانمادی برای خود برگزیند کسی جز خود جنبش نمی تواند اینکار را انجام دهد البته کسی هم نمی تواند آن را از جنبش پس بگیرد و هر آنکس که به چنین سودانی بيفند ولو در قدامت جباری هم چون حکومت اسلامی، تنها عرض خود می برد کسی بفرموده نماد نمی شود و بفرموده از نماد شدن هم خلع نمی گردد. او زن بود و زنان در جمهوری اسلامی آتش فشانی هستند با سر کوب مضاعف و انباشته از مطالبات کلان انسانی و لاجرم چالوشان. خوش خرام بهار زندگی. آری در گریز از "زندگی حسرت" و خرامین بسوی "حسرت زندگی" و حسرت انسان بودن، ناله ای نمایان شده از این پویش و آفرینندگی است. و اگر در نظر بگیریم که زنانه بودن یکی از مهم ترین مشخصات جنبش کنونی است آن گاه به زمینه های مساعد نماد شدن یک زن در جنبش کنونی پی خواهیم برد. علاوه بر آن از جرگه نسل سوم و جوان ولایتیک مسلک، یعنی از جرگه همان گورکنان نظامی بود که در متن خود جمهوری اسلامی متولد و پرورش یافته اند آمده اند تا بساط سلطه آن را بر چینند. بله! او در معنای متعارف و مأثور از مرز "قهرمانان" نبود و حتا دارای پیشینه ای در مبارزه سیاسی و زندانی شدن و امثالهم نبود.

او حتا از خیل صدها و یاهزاران فعال و سازمانگروین جنبش هم نبود. او فی الواقع یکی از همان میلیون ها افراد گمنامی بود که خالق جنبش خود جوش هستند. یکی از بی کران جمعیت در پیچ و تاب که در جریان برگزاری یک مارش اعتراضی پرشکوه که ارکان حاکمیت را به لرزه افکنده بود، در میان و در آغوش این انبوه تاریخ ساز و در برابر چشمان بسیاری هم چون گل سرخی پر پر شد و با چشمانی گشوده و مهربان جان داد. تک تیر اندازان رژیم مأموریت داشتند تا با از پای در آوردن فردی از نسل جوان و یکی از بی شماران جوانی از خیل زنان زهر چشمی از نسل خود پرورده و نافرمان گشته بگیرند. بنابراین رژیم مستقیماً خود جنبش و از جمله زنانه بودن آن را هدف گرفته بود. مخاطب بی واسطه این تاکتیک النصر بالرباع این انبوه بود و تروند ناخامل پیام مستقیمی به آن ها، که تسخیر خیابان ها بدون هزینه نیست و مزدوران رژیم در کمین اند. و البته تبدیل ندا به نمادی از جنبش قبل از هر چیز پاسخ دندان شکنی بود به همین پیام وحوشان حاکم: ببله میدانیم که جنگل خالی از اشغال و ویران و گریز و در دوران کمین کرده نیست. باین وجود رسوای جهالت می کنیم و یاد و نقش او را پرچم راهمان. او زن بود و جوان بود و یکی از ده ها هزار جوان معترضی که خیابان ها را به تسخیر خود در آورده بودند و داشتند مشت بر آسمان می کوبیدند و همین برای کشتن وی کافی بود. و درست همین دلیل یکی از هزاران وی بی شماران بودن وزن بودن و پر پر شدن در جلوی چشم هزاران هم مانند خود و در آغوش آن ها، و بالاخره ثبت زنده این لحظه در امپاتیک و انتشار وسیع آن، او را به نمادی برجسته از جنبش و ثبت شده در حافظه جمعی مردم، بویژه نسل جدید، تبدیل کرد.

نمادی که توسط خود جنبش ساخته و پرداخته می شود و به نوبه خود بازتاب دهنده سرشت خواندنی جنبش است بی نیاز از اسطوره ها، قهرمانان رهائی بخش و نخبگان بی بدیل. او اسطوره و قهرمان نبود و مردم از میان خود یکی هم چون خود را به عنوان نماد برگزیدند و بجای اسطوره ها نشانندش ندا بیرون از خودشان و مشرف بر آنان نیست. هر کس و هر فردی می تواند مثل ندایش: یکی از انبوه ها و یکی از بی شماران ندا از آن ها بود و خودشان هزاران و ده ها هزار ندایشند. اگر در انقلاب بهمین نگاه نخبه گرایانه و قهرمان پرور حاکم بر آن، اسطوره ها و رهبران کاریزما را در آسمان ها، بر بال ابرها و در تالو سیمین فام مهتاب جستجو می کرد، اکنون اما "اسطوره" از خودشان است و در میانشان و در کنارشان و اصلاً خودشان اسطوره هستند. در نگاه نخبه گرای انقلاب بهمین، اسطوره اعظم و نجات بخش از پشت ابرها فرومی آید و در اوج بیگانگی بانی شماران و مسلط بر آن ها. بت بزرگ، هر چه که آ به زمین نزدیک ترمی شود دیوسیرتی اش نمایان ترمی گردد و وقتی پایش به دوش اسطوره سازان می رسد دیگر از آن ها جز زانو زدگان. صغار و بندگان تهی شده از ذخایر انسانی چیزی نمانده است: همه سرباز و گوس بفرمان، صف کشیده اند تا فرامین او را متحقق کنند. در اینجا اما آن شکاف پرنشدنی بین ابژه

ندارد. مثل آنکه "ایا در سالهای پیش سفر به خارج از کشور داشته ای؟" یا "تاکون یا کسی رابطه نامشروع داشته ای؟". همچنین قاضی حق ندارد طوری از متهم سوال کند که پاسخ به آنها را به متهم القا و تلقین نماید. قاضی حق ندارد متهم را اغفال کرده و با فریب دادن متهم را وادار به پاسخگویی کند و همچنین پرسش از متهم در مورد عقاید و نظریات متهم در موارد خاصی سوال کند. بالاخره آنکه هر گونه تهدید و یا شکنجه متهم و اجبار او به پاسخ دادن ممنوع است و تحقیقات بر آمده از این راه غیر معتبر است. (د) رعایت حق سکوت: متهم حق دارد پاسخ سوالها را ندهد و سکوت کند و مرجع قضایی حق ندارد او را وادار به پاسخگویی کند بلکه فقط مکلف است سکوت متهم را صورت جلسه کرده و برای کشف حقیقت درباره ادله دیگر تحقیق کند.

(ه) رعایت حرمت و کرامت فرد دستگیر شده: نگاه داری متهم در سلول انفرادی و تحقیق و بازجویی او وی در شرایط فشار و غیر عادی مثل تحقیق با چشم یا دست و پای بسته یا بازجویی در شب به مدت طولانی به نحوی که مانع خواب متهم شود خلاف مقررات قانونی است. تا زمان صدور حکم و قطعی شدن آن، هیچ یک از مقامات قضایی حق افساس اتهام را ندارند.

(و) ممنوع بودن استراق سمع و شنود مکالمه های تلفنی متهم: هیچ کس حق ندارد تلفن متهم را کنترل کند مگر با دستور قاضی، آن هم در مواردی که ضروری تشخیص دهد که در این مورد قاضی مکلف است جهت ضرورت را با ذکر دلیل در دستور خود قید کند. اصل بر محرمانه بودن مکالمات تلفنی و نامه ها و دست نوشته های متهمان است که قانون اساسی هم آنرا مورد تأکید قرار داده و قاضی حق ندارد به منظور ساختن دلیل دستور بدهد مکالمات تلفنی افراد کنترل شود و در صورت شنود غیر قانونی، دلیل مزبور از نظر قانون معتبر نبوده و کسی که چنین دستوری داده متخلف است.

(ز) اخذ آخرین دفاع: این امر به معنای آن است که پس از اتمام تحقیقات و بررسی دلایل و مدارک شکی، آخرین حرف را متهم می زند و ختم رسیدگی در دادسرا و یا دادگاه اعلام می شود و مرجع قضایی با اعلام ختم تحقیقات در دادسرا و یا ختم دادرسی در دادگاه مبادرت به صدور رای می کند.

(ح) حق ملاقات متهم بازداشت شده: منظور از متهم بازداشت شده، متهمی است که برای اوقاف وثیقه و یا کفالت صادر شده و او نتوانسته وثیقه و یا کفیل معرفی کند و به همین دلیل بازداشت شده است که این فرد می تواند با شرایطی که برایش مشخص می کنند به مرخصی برود و باید در این مدت با وکیل و افراد خانواده خود ملاقات داشته باشند. (ط) حق برخورداری از دادرسی عادلانه و دادگاه و قاضی صالح و بی طرف: جرایم مطبوعاتی و سیاسی باید در دادگاه کیفری استان رسیدگی می شود که رسمیت این دادگاهها با حضور سه یا پنج قاضی بوده و حضور هیات منصفه نیز در دادگاه الزامی است. همچنین دادگاهها باید فقط به جرایم مندرج در کیفرخواست رسیدگی کنند و نمی توانند به جرایم متعددی که علیه متهم اعلام شده ولی در کیفرخواست ذکر شده از آنها به میان نیامده رسیدگی و حکم صادر کنند. در این صورت متهم حق دارد اعتراض کرده و این ایراد می تواند موجب نقض دادنامه در مرحله تجدید نظر شود.

(ی) حق تحصیل اطلاعات از پرونده: همین که پرونده به دادگاه فرستاده شد و برای آن وقت رسیدگی تعیین شد و متهم یا وکیل وی از آن مطلع شدند حق دارند با مراجعه به دفتر شعبه دادگاه، پرونده را مطالعه کنند.

(ک) حق مطالعه صورت جلسات و هر اوراقی که برای امضا در اختیار متهم قرار می گیرد: متهم حق دارد تا زمانی که مطلبی را به تمامی مطالعه نکرده است و از محتوای آن به طور کامل با خبر نشده است از امضا زیر برگه آن خودداری کند و هیچ کس حتی قاضی نمی تواند او را مجبور به امضای مطلبی که آنرا مطالعه نکرده و یا ممکن است سفید امضا باشد نماید.

(ل) حق اعتراض به قرار بازداشت: هر متهمی که برای او قرار بازداشت موقت صادر شده حق دارد ظرف 10 روز به این قرار اعتراض کند که به اعتراضش در دادگاه رسیدگی می شود. اگر قرار بازداشت 2 ماهه صادر شود و متهم اعتراض کند اما دادگاه قرار را تأیید کند باز هم متهم حق دارد بعد از یکماه به قرار اعتراض کند.

(م) حق اخذ رسید در هنگام بازرسی از منزل و بازرسی بدنی متهم: ورود به منزل و تفتیش آن باید با دستور مقام قضایی صورت گیرد. ماموران و ضابطان قضایی نیز مکلف هستند که صورت جلسه ای در دو نسخه تهیه کنند و پس از ذکر تمامی وسایلی که در ارتباط با اتهام کشف و ضبط می کنند یک نسخه از صورتجلسه را که به امضای متهم و حاضرین رسیده است به عنوان رسید به متهم بدهند.

(ن) حق استرداد اموالی که در بازرسی بدنی متهم کشف شده است: این اموال که فقط به منظور تحقیق و بررسی باید مورد استفاده واقع شوند باید پس از ارزیابی و پایان تحقیقات، آنها را به متهم مسترد شود.

(ث) حق دریافت نسخه ای از قرار یا دادنامه: پس از اینکه نتیجه انجام تحقیقات با رسیدگی به اتهام منجر به صدور قرار یا حکم شود دادسرا و دادگاه مکلف هستند که نسخه ای از رای صادره را امضا و به متهم ابلاغ کنند. علت این امر هم آنست که متهم حق دارد نسبت به رای صادره تجدیدنظر خواهی کند و باید از محتوای آن مطلع باشد تا این امر میسر شود.

(ج) حق برخورداری از بهداشت، غذا و تفریح سالم در زندان: متهمان نیز مانند محکومان از حقوق مربوط به زندانیان مثل حق داشتن لباس به میزان مناسب، حق درخواست سم پاشی و ضد عفونی کردن مکانی که در آنجا نگهداری می شود، حق مراجعه به بهداشتی زندان و... برخوردار است.



می‌شود، اعلام نرخ‌های دیگر نمایندگان نیز افزایش یافت. کما اینکه آقای توکلی در ابتدا اعلام می‌کردند، تورم این لایحه بین 35 تا 50 درصد است اما در حال حاضر اذعان می‌دارند که باید منتظر تورم 60 درصدی باشیم".

سخنان محبوب اشاره به اظهارات احمد توکلی داشت که اخیراً در خصوص پیامدهای تورمی این لایحه گفته بود "اگر تورم ناشی از آب را در نظر بگیریم با تورم فعلی 60 درصد تورم به اقتصاد تحمیل می‌شود".

رییس فراکسیون کارگری مجلس تصریح کرد "شاید این کار نوعی فرار رو به جلو باشد؛ اما مشکلات را اضافه کرده و دولت را زمین گیر می‌کند. به این ترتیب فقرا روز به روز به افلاس افتاده و طبقه متوسط محو می‌شود".

در همین پیوند، احمد توکلی، نماینده تهران هشدار داده بود که "توجه نکردن به پیامدهای حذف یارانه‌های مواد غذایی به عقب‌نشینی مجلس و دولت و توقف امر مهم هدفمند کردن برای سال‌ها، منجر خواهد شد".

افزایش حقوق‌ها برای جبران حذف یارانه‌ها

در همین حال رییس بانک مرکزی با بیان اینکه "با اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها هیچ قشری دچار مضیقه نخواهد شد" اضافه کرد "وقتی با اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، میانگین حقوق‌ها و حقوق بازنشستگان افزایش می‌یابد، همان امتیازی که در اجرای طرح از وی سلب می‌شود، در افزایش حقوق‌ها به وی بازگردانده می‌شود".

بهمنی در ادامه گفت "با اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، یک مرحله تورمی را خواهیم داشت، ولی پس از آن روند تورمی کاهش و در نهایت تعدیل خواهد شد".

وی در ادامه در خصوص نحوه افزایش قیمت‌ها پس از تصویب این طرح گفت "به عنوان مثال اگر با اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها قیمت بنزین به 400 تومان افزایش یابد، به طور قطع سال بعد از آن قیمت این کالا 500 تومان نخواهد شد و به 410 و یا 420 تومان افزایش می‌یابد. وی افزود: یعنی قیمت این کالا مثلاً 5 درصد افزایش می‌یابد و این امر باعث کاهش شدید نرخ تورم می‌شود".

حذف یارانه آب و برق از ابتدای سال 89

در پیوند با حذف یارانه آب و برق هم، سرپرست وزارت نیرو با بیان اینکه "تغییر در قیمت برق در قالب دو موضوع انجام می‌شود"، اضافه کرد "یکی از این مباحث، هدفمند کردن یارانه‌ها است که در آن، قیمت برق طی 5 سال، به صورت پلکانی به قیمت تمام شده می‌رسد، ولی با توجه به نامگذاری امسال به نام اصلاح الگوی مصرف، وزارت نیرو طرحی را به کارگروه ویژه اصلاح الگوی مصرف دولت ارائه داد که بر طبق مصوبه کارگروه، تغییراتی در زمینه الگوی مصرف انجام شد".

وی در ادامه گفت: "در این طرح ممکن است قشری از مصرف‌کنندگان وزارت نیرو که تعداد آنها محدود است و چند برابر الگو، مصرف می‌کنند تحت تأثیر قرار گیرند. اما اکثر افراد جامعه، تغییر خاصی را در قیمت‌ها مشاهده نمی‌کنند؛ تنها به 3 درصد مشتریان، هیچگونه یارانه‌ای تعلق نمی‌گیرد، 14 درصد یک مقدار کم، جریمه می‌شوند و 84 درصد مابقی، بر اساس الگو مصرف می‌کنند".

وزیر نیرو همچنین از افزایش قیمت آب خبر داد و گفت "مصوبه‌ای مبنی بر افزایش 10 درصدی تعرفه آب شهروندان تهرانی برای تأمین مالی پروژه‌ها صادر شده که از این دوره در قبضه‌ها اعمال می‌شود".

وی در خصوص افزایش قیمت آب و برق در لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها گفت "هنوز بحث هدفمند کردن یارانه‌ها، به صورت کلی در مجلس نهایی نشده است و منتظر جمع‌بندی لایحه هستیم اما تصور می‌شود که از ابتدای برنامه پنجم، اجرای این لایحه را برای حرکت به سمت واقعی شدن قیمت آب و برق داشته باشیم".



وسوژه و بین تن و سر وجود ندارد. گویی سوژه و ابژه بر هم منطبق می‌شوند و از کرنش، زانوزدن و تقویض گهر انسانی خودبه‌بنده نوازان آسمانی نشان کمتری دیده می‌شود. آری اسطوره خود بی‌شماران است و در بیداری و خلایقیت تک تک آن‌ها ندا یکی از این بیشماران آن بود و نمادی برای این بی‌شماران است. در اینجا یگانگی بین نماد و انبوه، اسطوره و اسطوره‌سازان و جنبش و سمیل آن، خصلت نماست.

سناریوی سازی و مصادره‌نماد

یکی از شرکدهای جمهوری اسلامی در طی این سال‌های متمادی، ارتکاب جنایت و فرافکنی آن بوده است. فرافکنی مسولیت ترور مخالفین به دوش خود آن‌ها یکی از این شرکدهای شناخته شده است. تا هم به هدف خود برسد و هم خویشتر را از مظان اتهام ترور برهاند. ترور قاسمو و ادعای ترور وی بدست همکاران و رقبای وی، نمونه برجسته‌ای از این تاکتیک است.

در مورد قتل‌های زنجیره‌ای هم شاهد بودیم که با خودسر اعلام کردن آن فاجعه، مسئولیتش اش را بگردن یکی از ابزوفاترین مزدوران خود، سعید اسلامی، انداخت که به دستور او امر مافوق مبادرت به ارتکاب آن جنایت کرده بود و البته کور کردن رد پرونده و توقف آن در این نقطه در گرو پایان دادن به حیات خود این مزدور بود. در حال سیاست فرار به جلو و "کی بود کی بود من نبودم" همواره یکی از شرکدهای شناخته شده سرویس‌های امنیتی رژیم بوده است. در مورد ماجرای ترور ترانه همین شرگرد را بکار گرفتند و در مورد نداهم بویژه پس از تبدیل شدن وی به نماد جنبش هم به سودای تنظیم یک سناریو برای مصادره این نماد اقتادند.

احمدی نژاد در پاسخ به سوالات خبرنگاران در آمریکا فرضیه دسیسه ترور ندا بدست مخالفین و جریانات مرموز را با ردیف کردن دلالتی مضحک و باسسه‌ای - که معلوم بود آموخته‌های مقامات امنیتی و سناریوسازان به وی است - مطرح کرد و نشان داد که دارند روی چنین سناریویی کار می‌کنند. بالاخره کورمغزان امنیتی رژیم، بر آن شدند تا از طریق بنیاد شهید و به بهانه کمک به خانواده شهداورد قضیه بشوند. آن‌ها حتا بدون نیازی به اثبات سناریوی طراحی شده خود، زمزمه افزودن نام او به لیست شهدای نظام را ساز کردند و از دادن رشوه و مقرری و مزایای شهید شدن به خانواده وی سخن راندند! تابه خیال خود هم خویشتر را تبرئه کنند و هم مهمتر از آن، به صلابت و شکوه این نماد جنبش خدشه وارد سازند. تیری که همانند سایر اقدامات رژیم بدلیل دست کم گرفتن عمق مقاومت مردمی و در این مورد اخص، مادر و خانواده ندا، به سنگ ناکامی اصابت کرد. چنان که خواندیم و شنیدیم، مادر ندا با صراحت و شجاعت تمام ادعای مقامات حکومتی را مبنی بر این که کشته شدن دخترش دسیسه و مرموز بوده تکذیب کرد و گفت: "ندا مثل اشکان و سهراب و پچه‌های دیگر کشته شده است." و اعلام داشت که خانواده ندا به هیچ عنوان زیر پوشش بنیاد شهید نخواهند رفت و اضافه کرده پول ماهیانه و غیره برابر با یک تار موی دخترم نیست، ندا شهید راه مردم است نه شهید حکومت. مادر ندا آقا سلطان در ادامه افزود: "اقایان قصد دارند ندا را شهید اعلام کنند، در حالی که وقتی مردم روی سنگ قبر ندا کلمه شهید را می‌نوشند، آنها پاک می‌گردند! چندی پیش اعلام شده بود در صورتی که ندا آقا سلطان به عنوان شهید پذیرفته شود، بنیاد شهید خانواده او را تحت پوشش قرار می‌دهد".

باین ترتیب یک قطعه تازه بر سنرفونی مقاومت افزوده شد. در کنار خلق نمادها، حفاظت از نمادها و ممانعت از دستبرد به آن‌ها هم به وظایف جنبش افزوده گشت. تیرسناریوسازان به سنگ خورد غافل از آن که: پری رو تاب مستوری ندارد، چو در بندی ز روزن سر بر آرد!



طبقه متوسط محو می‌شود سامان رسول پور

تصویب لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها در مجلس ایران، که با هدف حذف یارانه‌هایی برخی از مواد سوختی و نیز برخی کالاها دیگر صورت گرفته، نگرانی‌هایی را در خصوص عواقب اجرای این طرح دامن زده است.

مخالفان این طرح بر این باورند که حذف یارانه‌ها، به بالا رفتن نرخ تورم و چند برابر شدن قیمت‌ها می‌انجامد و به گفته آنها، فاصله طبقاتی در جامعه ایران بیشتر خواهد کرد. مجلس ایران در هفته‌های پیش کلیات این لایحه را به تصویب رساند و اخیر هم ماده چهار این لایحه که مربوط به حذف یارانه‌های اساسی نظیر گندم، برنج، روغن، شیر و شکر است، به تصویب رسید.

دیروز علیرضا محبوب، رییس فراکسیون کارگری مجلس و دبیرکل خانه کارگر، پیرامون پیامدهای این طرح گفت "با اجرای لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها، جامعه کاملاً دو قطبی شده و شاهد دو قشر مرفه و فقیر خواهیم بود. چرا که طبقه متوسط به قشر فقیر می‌پیوندد و دیگر طبقه متوسط نخواهیم داشت".

محبوب با بیان اینکه "به نظر می‌رسد رقم تورم در اذهان برخی از دوستان به تدریج به رقمی که ما اعلام کردیم نزدیکتر می‌شود" افزود "وقتی که بنده اعلام کردم تورم ناشی از اجرای این لایحه، سه رقمی خواهد بود و سالانه 20 درصد به نرخ تورم افزوده

اسلامگرایی: جدی‌ترین مانع جنبش سبز

مجید محمدی

جنبش سبز با مشکلات جدی و بنیادینی در جامعه سیاسی و فضای سیاسی ایران مواجه است اما هیچ یک از این مشکلات مخاطره‌انگیزتر از اسلامگرایی نیست.

نامی که بر رژیم جایگزین در شعارها نهاده خواهد شد یا قانون اساسی آن رژیم، یا نقش روحانیت و دیگر نهادهای دینی در بدیل این حکومت، در برابر اسلامگرایی موضوعات ثانوی به شمار می‌آیند.

شکی نیست که اولاً بسیاری از اسلامگرایان با اسلامگرایی خامنه‌ای-احمدی‌نژاد مخالفند و با ورود در جنبش سبز به دنبال به اجرا در آوردن اسلامگرایی خاص خویش یا مصادره جنبش به نفع خود و تداوم بخشیدن به اسلامگرایی به شکلی دیگر هستند.

ثانیاً برخی از ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی اسلامگرایی که به تأسیس و تداوم جمهوری اسلامی منجر شدند هنوز در جامعه ایران زنده‌اند و حتی در صورت سقوط اسلامگرایی در ایران، این ایندولوژی بر روی دوش یک نیروی سیاسی در صحنه باقی خواهد ماند، همان طور که امروز احزاب کمونیست در روسیه و اروپای شرقی حضور دارند.

نام و چارچوب

آنچه خطر جدی در برابر جنبش سبز است نام «جمهوری اسلامی» در بیانیه‌های رهبران یا حتی وفاداری به نظام حقوقی جمهوری اسلامی نیست؛ نظام‌های حقوقی با تفسیرهای جدید و فشار از پایین تفسیر دوباره یافته و تحول می‌یابند و نام‌ها در هر دوره بر اساس واقعیات به پدیده‌های متفاوتی اشاره می‌کنند.

بر همین اساس چندان نباید به کسانی که بر نام جمهوری اسلامی یا حتی قانون اساسی رژیم تأکید می‌کنند به عنوان اخلاص در روند جنبش خرده گرفت، در صورتی که اسلامگرایی پیشه نکرده باشند. در ظرف جمهوری اسلامی یا در قاب همین قانون اساسی رژیم‌های متفاوتی را می‌توان ریخت. به همین علت نام‌ها و قاب‌ها نمی‌توانند چارچوب‌های خوبی برای تغییرات بنیادی باشند.

نظام استبدادی می‌تواند حکومت دینی، سلطنتی یا حتی جمهوری ایرانی نام بگیرد و نظام دموکراتیک نیز می‌تواند عنوان سلطنتی، جمهوری یا جمهوری اسلامی داشته باشد. محتوا بسیار پراهمیت‌تر از نام و عنوان است.

همانطور که جمهوری اسلامی دهه چهارم بسیار با جمهوری اسلامی دهه اول با سوم متفاوت است جمهوری اسلامی بدون خامنه‌ای یا احمدی‌نژاد با جمهوری اسلامی بدون ولایت فقیه و شورای نگهبان و جمهوری اسلامی بدون امتیازات ویژه برای روحانیت هم می‌تواند بسیار با جمهوری اسلامی موجود متفاوت باشد.

اسلامگرایی چیست؟

خطر جدی پیش روی جنبش سبز عناوین و چارچوب‌ها نیستند، اسلامگرایی است، یعنی: حاکمیت یک ایندولوژی تمامیت‌طلب و اقتدارگرا که دینی بودن جامعه را در گرو انحصار قدرت مطلق در دست حاکمان دیندار می‌بیند، قدرت مطلق را به یک فرد در جامعه به عنوان ایندولوگ اعظم واگذار می‌کند، حق تفسیر دین و اداره نهادهای دینی را به حکومت و اداره حکومت را به نهادهای دینی می‌بخشد، امتیازات ویژه برای مفسران و وفاداران به آن ایندولوژی در نظر می‌گیرد، همه امور جامعه را ایندولوژی‌زیز می‌کند، و مهم‌ترین وظیفه حکومت را اجرای احکام آن ایندولوژی در جامعه تلقی می‌کند. به طوری که ملاحظه می‌شود اسلامگرایی بر مرکب دین سوار می‌شود و اسب قدرت و ثروت را در جامعه می‌رانند.

اسلامگرایی پنج ویژگی دارد: دعوت برای بیداری اسلامی در زندگی شخصی و جمعی، تلاش برای صورت‌بندی و انعکاس ارزش‌های اسلامی در زندگی در همه ابعاد آن، تمسک به هویتی اسلامی که با دیگر هویت‌ها تمایز و گاه تعارض داشته باشد، دفاع از دوباره سازمان‌دهی جامعه و فرهنگ و سیاست و دولت بر طبق احکام اسلامی، و کسب قوای قهریه و شکل دادن به حکومت اسلامی برای رسیدن به اهداف فوق.

این پنج ویژگی بالاخص دو ویژگی چهارم و پنجم، معرف ایندولوژی اسلامگرایی در دوران اخیر هستند و هر جا این عوامل در کنار هم دیده شدند حکومتی از نوع حکومت جمهوری اسلامی موجود سر و کله‌اش پیدا می‌شود.

ویژگی پنجم تمایز بخش اسلامگرایی به عنوان یک ایندولوژی برای دستیابی به حکومت مطلقه با اسلام سیاسی به عنوان یک نگرش برای فعال کردن مسلمانان در حوزه سیاست است که ضرورتاً مستلزم کسب قوای قهریه برای رسیدن به اهداف مسلمانان در جامعه نیست.

برخی نیز از اسلامگرایی با عنوان بنیادگرایی یاد کرده‌اند که ویژگی‌های آن در ادبیات مربوطه به دقت ذکر نشده است. به همین دلیل پس از یک دهه، امروز در ادبیات محققان حوزه سیاست و جامعه تعبیر اسلامگرایی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

قوت اسلامگرایی در ایران

در ضرورت جدی گرفتن اسلامگرایی و اهمیت آن همین بس که بیش از سه دهه یک حکومت جبار را در ایران بر سر پا نگاه داشته است. قوای قهریه در جمهوری اسلامی و نیز دستگاه‌های تبلیغاتی آن از این منبع روزی می‌خورند.

این ایندولوژی در جامعه ایران مرتباً رو به افول بوده است و اکنون دوران میان‌سالش را طی می‌کند اما هنوز از نفس نبقته و بر زمین زدن و ضربه‌ی فنی کردن آن کاری است بس دشوار. این اژدها در فرهنگ و سیاست ایران اژدهایی هفت سر است و فرو افتادن یک سر به معنای فرو افتادن اژدها نیست.

به همین دلیل اگر یک یا چند چهره با ویژگی آن در حاکمیت، یعنی اسلامگرایی نظامی گرا و فقه‌گرا، در حال افول اقتدار اجتماعی است چهره‌های دیگر آن یعنی اسلامگرایی عدالت‌گرا، موعودگرا، ملی‌گرا، عرفان‌محور، متن‌گرا، هویت‌گرا، و فاشیستی در حال حیات حاشیه‌ای و زمستانی در جامعه سیاسی هستند و در میان مخالفان جدی وضع موجود نیز به چشم می‌خورند.

اسلامگرایی در میان مخالفان

نشانه‌های اسلامگرایی در میان گروه‌هایی از مخالفان حکومت به وضوح به چشم می‌خورد. چگونه می‌توان اسلامگرایان را در جنبش سبز از غیر اسلامگرایان تشخیص داد؟

اول آن که نوک حمله اسلامگرایان به اشخاص یعنی خامنه‌ای و احمدی‌نژاد یا دیگر افراد تحت امر رهبری است و نه مبانی فکری و عقیدتی نظامی که سرکوب می‌کند. اینکه چه کسی حکومت می‌کند برای آنها بسیار مهم‌تر است از اینکه چگونه حکومت می‌شود.

دوم آنکه اسلامگرایان به اجرای احکام اسلامی مثل قصاص و سنگسار، دستگاه امر به معروف و نهی از منکر حکومت، دخالت حکومت در زندگی خصوصی و جنسی افراد، امتیازات ویژه روحانیت در قالب نهادهایی مثل شورای نگهبان یا ولایت فقیه یا مجلس خبرگان، گزینش‌های ایندولوژیک برای کسب شغل یا تحصیل و عدم تساوی حقوق زنان و مردان انتقادی نمی‌کنند بلکه به انتقاد از رفتارهای حاکمان یا نحوه اجرای این احکام می‌پردازند و اینکه آن احکام به درستی اجرا نمی‌شوند.

و سوم آنکه در بحث حقوق، حقوق اقلیت‌های جنسی (مثل همجنسگرایان)، دینی (مثل بهاییان)، و سیاسی (مثل افراد بی‌دین) به طور کلی مورد انکار اسلامگرایان است. به عنوان مثال به احکام بازداشت و زندان و اعدام برای غیر اسلامگرایان بی‌تفاوتی نشان می‌دهند در حالی که به این امور اگر به اسلامگرایان مخالف مربوط شود به شدت حساس هستند. اسلامگرایان تنها حقوق مسلمانان باورمند را به رسمیت می‌شناسند.

پاشنه آشیل جمهوری اسلامی

نقطه حساس و بنیادین جمهوری اسلامی نه مقام ولی فقیه یا شخص خامنه‌ای، بلکه ایندولوژی اسلامگرایی است. در تشخیص مخالفان جدی حکومت دینی به جای تمرکز بر میزان و حدت و شدت مخالفت با ولایت فقیه یا ولی فقیه (خامنه‌ای) یا احمدی‌نژاد باید به میزان و حدت و شدت مخالفت یا عدم مخالفت با مبانی حکومت دینی یعنی ایندولوژی اسلامگرایی توجه کرد.

اگر به جای تمرکز بر اینکه «چه کسی حکومت می‌کند؟» بر این موضوع تمرکز کنیم که «چگونه باید حکومت کرد؟» از افراد یا مقامات گذر کرده به نحوه حکومت کردن خواهیم رسید و مهم‌ترین عامل در تعیین نحوه حکومت در جمهوری اسلامی موجود ایندولوژی اسلامگرایی است.

دو گزارش اقتصادی

ایران: بهشت واردکنندگان و جهنم صادرکنندگان

@ سعید حاتمی

در نشست که با شرکت صادرکنندگان نمونه به مناسب «روز ملی صادرات» در سالن اجلاس سران در تهران برگزار شد، محمود احمدی‌نژاد رییس جمهوری اسلامی گفت حجم صادرات غیر نفتی ایران در چهار سال گذشته از ۷.۳ میلیارد دلار به ۲۳ میلیارد دلار در سال رسیده و بدین سان بیش از سه برابر شده است.

آشفته‌گی آمار

او این رویداد را «مجاهدت، پیگیری ثمر بخش و افتخار آفرین» توصیف کرد و وعده داد صادرات غیر نفتی کشور تا چهار سال دیگر به پنجاه میلیارد دلار خواهد رسید.

رقم ۲۳ میلیارد دلار، که از سوی آقای احمدی‌نژاد برای صادرات غیر نفتی ایران در سال ۱۳۸۷ ارایه شده، با آمار منابع رسمی جمهوری اسلامی نمی‌خواند، مگر آنکه او می‌عانت‌گازی را نیز در مقوله صادرات غیر نفتی کشور جای داده باشد.

توضیح آنکه گمرک جمهوری اسلامی در بخشی از گزارش‌های آماری خود می‌عانت‌گازی را، که در اصل یک کلای نفتی است، صادرات غیر نفتی جا می‌زند تا حجم این گونه صادرات را، به گونه ای مصنوعی بالا ببرد.

ولی در پی اعتراض شدید محافل کارشناسی و حتی صاحب منصبان دولتی، منابع گمرکی سر انجام تصمیم گرفتند آمار صادرات غیر نفتی کشور را هم با می‌عانت‌گازی و هم بدون این فرآورده منتشر کنند. بدون به حساب آوردن می‌عانت‌گازی، حجم صادرات غیر نفتی کشور در سال ۱۳۸۷ به هیجده میلیارد دلار رسید.

در شش ماه نخست سال جاری خورشیدی نیز، به گفته منابع گمرکی جمهوری اسلامی، حجم صادرات غیر نفتی کشور بدون می‌عانت‌گازی از هشت میلیارد و نصد میلیارد دلار بیشتر نبود. تازه اگر فرآورده‌های پتروشیمی را هم، که ریشه نفتی دارند، و ۲۸ درصد کل صادرات غیر نفتی ایران را تشکیل می‌دهند، از آمار گمرک کم کنیم، حجم واقعی این گونه



لاله زار، که روزگاری خیابانی پرآوازه و مغرور در قلب تهران بود، اکنون به جولانگاه لوازم الکترونیکی چینی بدل شده، با فروشندگانی که میگویند ناچارند جنس چینی بفرشند، و گر نه مجبورند سیگار فروشی کنند. خیرگزاری فارس به نقل از یکی از دست اندر کاران می نویسد که «به طور متوسط ۶۰ درصد لوازم الکترونیکی بازار ایران در اختیار جنس های بی کیفیت چینی است که متأسفانه این درصد روز به روز در حال افزایش است».

در بازار اسباب بازی ایران نیز، حدود شصت هزار نوع اسباب بازی چینی، به نوشته خبرگزاری فارس، نود و پنج درصد بازار این کالا را در اختیار دارد. یک فروشنده اسباب بازی در پاسخ به این سوال «فارس» که آیا این اسباب بازی ها نمونه ایرانی دارند، می گوید: «اصلاً اسباب بازی ایرانی با این کیفیت تاکنون تولید نشده و تولید کننده ایرانی اگر بخواهد با این کیفیت تولید کند، قیمت آن دو برابر اسباب بازی چینی خواهد بود. این در حالیست که محصولات چینی با هزینه های حمل و نقل و عوارض گمرکی با این قیمت به دست مصرف کننده می رسد».

خبرگزاری فارس می افزاید: «چین در اقتصاد ما رخنه کرده، مانند زلویی که در کوچه پس کوچه های این شهر لمیده و تا حد قابل ملاحظه ای پتانسیل تولید و اشتغال کشور را در اختیار خود گرفته است».

به تازگی در آفریقا، بخش مهمی از افکار عمومی چینی ها را «استعمار گران نو» لقب داده است، به ویژه از آنرو که امپراتوری زرد به مهم ترین قدرت خارجی مدافع خون اشام ترین دیکتاتوری که در قاره سیاه بدل شده است.

در ایران نیز چین با بهره گیری از انزوای جمهوری اسلامی به جنگی ظالمانه علیه اقتصاد کشور روی آورده که با همکاری عادلانه میان دو کشور مستقل، چندان شباهتی ندارد.



220 میلیارد دلار واردات در طی چهار سال

احمدی نژاد، بزرگ ترین وارد کننده

در تاریخ ایران

در حالی که دولت محمود احمدی نژاد همچنان به دلیل تخلفات انتخاباتی و اعتراضات پس از آن با بحران سیاسی روبه روست، با انتشار گزارش های پی در پی در مورد عملکرد اقتصادی خود با چالش های جدیدی مواجه شده است.

در یکی از تازه ترین گزارش ها در خصوص سیاست های اقتصادی دولت احمدی نژاد، روز گذشته سایت "آینده" با انتشار گزارشی آماری به مقایسه حجم واردات انجام شده توسط این دولت با دیگر دولت های جمهوری اسلامی پرداخته است. این گزارش حکایت دارد دولت نهم در طی تنها چهار سال بیشتر از مجموع چهارده سال ریاست جمهوری سید علی خامنه ای و اکبر هاشمی رفسنجانی کالا وارد کرده است. این رقم از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی 220 میلیارد دلار گزارش شده است.

این در حالی است که اداره گمرک که زیر نظر دولت احمدی نژاد فعالیت می کند و مسئولیت انتشار میزان رقم مالی وارداتی را عهده دار است پیشتر ادعا کرده بود 185 میلیارد دلار کالا به ایران وارد شده است. کارشناسان اقتصادی معتقدند 35 میلیارد دلار اختلاف میان رقم واقعی 220 میلیارد دلاری و رقم اعلام شده توسط گمرک، نشان دهنده تلاش دولت برای شانه خالی کردن از انتقادهایی است که علیه سیاست های وارداتی آن مطرح می شود.

واردات کمر شکن

بر اساس گزارش دیروز سایت "آینده"، دولت در چهار سال نخست ریاست جمهوری احمدی نژاد با نرخی تصاعدی به ترتیب ۴۳ میلیارد دلار، ۵۰ میلیارد دلار، ۵۸ میلیارد دلار ۶۹ میلیارد دلار کالا به داخل کشور وارد کرده است.

ناظران اقتصادی اعتقاد دارند اتخاذ سیاست های افراطی وارداتی از سوی دولت احمدی نژاد باعث شده است بسیاری از فعالیت های اقتصادی داخلی کشور با رکود مواجه شوند. بر این اساس با افزایش حجم واردات از خارج کشور، تحرک اقتصادی در داخل کشور نزول پیدا کرده که تبعاتی همچون نرخ بیکاری و تورم بالا و همچنین قابلیت زود ورشکسته شدن اقتصاد بخش غیردولتی را به همراه داشته است. اشتیاق نهادها و وزارت خانه های اقتصادی دولت نهم برای وارد کردن کالا به کشور به اندازه ای بوده که اقلامی مانند گندم که کشور پیش از دولت نهم در زمینه تولید آن خودکفا شده بود نیز بار دیگر به داخل کشور وارد می شوند.

به گزارش این سایت تنها در دو ماهه ابتدای امسال یک میلیون و 195 هزار تن از این محصول وارد کشور شده که نسبت به مدت مشابه سال قبل با افزایشی 100 درصد روبه رو بوده است. کارگران صنعت نیشکر و قند و همچنین شالیکارانی که در تامین برنج می کوشند از دیگر قربانیان بزرگ سیاست های وارداتی محمود احمدی نژاد بوده اند.

حساب ذخیره ارزی منفی است

طبق گزارش های منتشر شده در حالی که دولت احمدی نژاد - به ویژه با فروش نفت - 339 میلیارد دلار درآمد ارزی در چهار سال اخیر کسب کرده، اما حساب ذخیره ارزی با موجودی "تعهدی" 18 میلیارد دلاری مواجه شده است. این به معنای آن است که میزان بدهی تعهدی آن ۱۸ میلیارد دلار بیش از موجودی آن بوده و مازاد درآمد ارزی کشور

صادرات پیرامون سیزده میلیارد دلار در سال نوسان خواهد کرد. ولی در این جا از حذف فرآورده های پتروشیمی صرف نظر می کنیم و فرض را بر آن می گذاریم که ارزش سالانه صادرات غیر نفتی ایران به هیجده میلیارد دلار میرسد. برای یک کشور هفتاد و یک میلیون نفری چون ایران، صدور هیجده میلیارد دلار کالای غیر نفتی در سال، که معادل یک هشتم ترکیه، یک دهم تایلند و یک یازدهم مالزی است، چگونه می تواند «افتخار آفرین» باشد؟

سه شنبه بیست و هشتم مهر ماه، در مراسمی با شرکت وزیر بازرگانی و صادر کنندگان نمونه، محمود بهمنی رییس کل بانک مرکزی صادرات غیر نفتی ایران را بسیار پایین دانست و ساختار بازرگانی خارجی کشور را «تک محصولی نفتی» توصیف کرد.

خام فروشی

به علاوه صادرات غیر نفتی ایران مرکب از کالا هایی است با ارزش افزوده ناچیز که به صادرات و سپس مانده ترین کشورهای جهان سوم شباهت دارد.

در گزارشی زیر عنوان «بررسی مبادله تجاری کشور در چهار ماه نخست ۱۳۸۷»، که حدود یک سال پیش انتشار یافت، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی میگوید که میانگین ارزش هر تن کالای صادراتی ایران طی دوره مورد بررسی ۶۲۱ دلار و در عوض میانگین ارزش هر تن کالای وارداتی کشور ۱۴۸۶ دلار بوده است.

به بیان دیگر «رابطه مبادله» میان کالا های صادراتی و وارداتی ایران نشان دهنده ضعف شدید ساختار بازرگانی خارجی ایران است که برای وارد کردن یک تن کالا، باید ۲.۴۰ تن کالا صادر کند.

بر خلاف آنچه رییس جمهوری اسلامی وعده داده، به نظر نمی رسد صادرات غیر نفتی ایران، در وضعیت کنونی اقتصاد کشور، با توجه به رکود شدید و تورم دو رقمی حاکم بر آن، تا چهار سال دیگر به پنجاه میلیارد دلار افزایش یابد. فضای کسب و کار و کل سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی بر پایه صدور نفت خام و واردات انبوه شکل گرفته و تغییری در آن دیده نمی شود.

وضع چنان جریان دارد که گویی، از دیدگاه صاحب منصبان جمهوری اسلامی، ایران لیاقتی ندارد جز آنکه یک کشور جهان سومی باقی بماند و از مرز خام فروشی فراتر نرود، و گر نه این چه اصراری است که به رغم هشدار های هر روزه بازرگانان و کارشناسان، دولت جمهوری اسلامی نرخ ارز را، در کشوری با تورم دو رقمی، به عمد پایین نگه می دارد و یا، به عبارت دیگر، ریال را به گونه ای آشکارا مصنوعی، در سطحی بالا نگهداشته است.

با این سیاست، تهران عملاً به کالا های وارداتی بیارانه میدهد و، در عوض، صادر کنندگان را جریبه میکند. چرا قدرتی همچون چین، که در سال جاری میلادی به احتمال فراوان نخستین کشور صادر کننده جهان خواهد شد، با وجود همه فشار های بین المللی، ارزش یوان پول ملی خود را با چنگ و دندان پایین تر از آنچه باید باشد نگهداشته تا بتواند بیشتر صادر کند.

سه شنبه بیست و هشتم مهر ماه، وزیر بازرگانی جمهوری اسلامی همصدا با صادر کنندگان خواستار افزایش نرخ ارز در کشور شد، اما رییس کل بانک مرکزی با این تقاضا مخالفت کرد.

البته نرخ ارز تنها یکی از مشکلات انبوهی است که بر صادرات غیر نفتی ایران سنگینی میکند، در کنار دیگر مشکلاتی که از یک اقتصاد ناپایمان سرچشمه میگیرند. به علاوه صادر کننده ایرانی به شدت درگیر مشکلاتی است که با توجه به تنش حاکم بر فضای بین المللی جمهوری اسلامی، به گونه انواع تحریم ها، بر فعالیت او سنگینی می کند.

در حالی که صادر کننده ایرانی، به دلیل وزنه های سنگینی که به پای او بسته شده، از تحرک باز ایستاده، شرایط برای ورود انبوه کالا های خارجی به کشور از هر نظر فراهم است. در این شرایط صاحبان صنایع و نمایندگان بخش خصوصی ایران از این که مجبورند در شرایط ناپایمان با انبوه کالا های وارداتی به رقابت برخیزند، به فریاد آمده اند.

فرو ریزی سنگرها

تردیدی نیست که آزاد سازی بازرگانی بین المللی یکی از دستاوردهای مهم تمدن انسانی است و صنایع داخلی نباید از رویارویی با رقابت سر باز بزنند.

ولی پیشروی به سوی مبادله آزاد، نیازمند شرایطی است که در ایران فراهم نیست. واحد های تولیدی داخلی، در فضایی بسیار سخت فعالیت میکنند و همه عوامل، از نرخ تورم گرفته تا نرخ ارز، آنها را در رقابتی غیر عادلانه با انبوه کالا های خارجی قرار میدهد. جمهوری اسلامی، به دلیل محروم ماندن از شرایط لازم برای مشارکت واقعی در بازرگانی بین المللی، به بهشت وارد کنندگان و جهنم صادر کنندگان بدل شده است.

گسترش بی امان نفوذ چین در بازار ایران یکی از نشانه های فرو ریزی سنگرها های دفاعی کشور در برابر رقابت خارجی است. منابع جمهوری اسلامی حجم داد و ستد دو کشور را، اعم از نفتی و غیر نفتی، بیست و هشت میلیارد دلار در سال ارزیابی میکنند. بخشی از این داد و ستد، در بر گیرنده حجم بسیار عظیم کالا های چینی است که از مبادی گمرکی یا راه های قاچاق، به بازار های ایران هجوم آورده و کمر شمار زیادی از تولید کنندگان داخلی را شکسته است.

در تاریخ یکصد سال گذشته ایران، از آغاز دوره صنعتی شدن آن تا امروز، صنایع ملی کشور هرگز با رقیبی چنین حیلہ گر، سمج و مهاجم روبرو نبوده است.

در سه گزارش میدانی از حضور دست و پا گیر کالا های چینی در بازار لوازم الکترونیک، اسباب بازی و کامپیوتر، که بیست و پنجم و بیست و ششم مهر ماه انتشار یافتند، خبرگزاری فارس از خانه خراب شدن تولید کنندگان ایرانی در برابر هجوم بی امان کالا های چینی سخن میگوید.



آذربایجان شرقی پایگاه ایران برای ارتباط با قفقاز خواهد بود
استاندار آذربایجان شرقی با اشاره به توانمندی های این منطقه در عرصه های مختلف گفت: این استان می تواند پایگاه خوبی برای ارتباطات جمهوری اسلامی ایران با منطقه قفقاز باشد. دکتر علیرضایی روز سه شنبه در همایش بین المللی قفقاز در دانشگاه تبریز افزود: آذربایجان شرقی با توجه به توانمندی های خود در عرصه های اقتصادی، بازرگانی، صنعت و حتی فرهنگی و علمی می تواند در راستای توسعه روابط مابین ایران و کشورهای منطقه قفقاز تأثیرگذار باشد.
وی با تأکید بر اهمیت و نقش منطقه قفقاز در جهان امروز گفت: پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، وجود کشورهای تازه استقلال یافته اسلامی، اهمیت منطقه قفقاز را برای ممالک اسلامی دوچندان کرده است. بیگی با اشاره به اشتراکات ملل منطقه قفقاز با ایران اسلامی تصریح کرد: در این میان اهمیت کشور جمهوری آذربایجان برای توسعه روابط با ایران از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

روسها تحریف تاریخ قفقاز را مهندسی می کنند

دکتر منصور حقیقت پور روز سه شنبه در آئین گشایش همایش بین المللی قفقاز در بستر تاریخ گفت: از آنجاییکه از گذشته های دور روسیه منافع امنیتی بسیاری در منطقه قفقاز داشته است، جعلیات گسترده ای در عرصه های مختلف به نفع خود مهندسی می کند. وی تصریح کرد: جعل تاریخ، جعل محدوده جغرافیایی، جعل نژاد، جعل زبان، جعل خط و حتی جعل اسامی سرزمینی از جمله خیانت هائی است که در حق پیشینه منطقه قفقاز شده است.

دکتر حقیقت پور با اظهار تأسف از ادامه سیاست مهندسی تحریف و جعل پیشینه قفقاز توسط روس ها گفت: از همه مهمتر جای تأسف اینکه دولتمردان کشورهای قفقاز نیز خود از اهمیت موضوع غافل بوده و ناخواسته سیاست های استعماری روسیه را دنبال می کنند. استاندار اردبیل وضعیت و موقعیت طلابی ایران در شرایط فعلی را برای نقش آفرینی موثر در قفقاز انکار ناپذیر و خواند و افزود: نفوذ تمدن بزرگ ایرانی-اسلامی در قفقاز به حدی است که در همه کشورهای این منطقه نشانه های بسیاری از ادبیات، مذهب، تاریخ، زبان، فرهنگ و اشتراکات مدنی فی مابین دیده می شود.
استاندار اردبیل با انتقاد از رفتار مقابله جویانه برخی محافل برای توسعه ارتباطات با قفقاز گفت: برای توفیق در سیاست خارجی خود و نیز گسترش ارتباطات با قفقاز، باید با آغوش باز از مردم و اندیشمندان مختلف کشورهای قفقاز استقبال کرده و رفت و آمدهایمان را در سطوح علمی و فرهنگی گسترش دهیم.

بازنویسی تاریخ قفقاز برای اصلاح تحریفات صورت گرفته ضروری است

دکتر بهرام امیر احمدیان ظهر سه شنبه در همایش بین المللی قفقاز در بستر تاریخ گفت: تنها راه ممکن برای مقابله با ادامه تنش ها و حل و فصل منازعات موجود در منطقه قفقاز اصلاح و بازنویسی تاریخ واقعی این منطقه استراتژیک است.
این استاد دانشگاه با تأکید بر لزوم تغییر شیوه نگارش به تاریخ گفت: روش جدید امروز استفاده از تاریخ انتقادی است که بر مبنای آن، اسناد و ادله علمی بررسی و با نگاه انتقادی به رویدادهای تاریخی، ریشه اختلافات تبیین می شود.
وی همچنین به لزوم تغییر لحن برخی از صاحب نظران در این حوزه تأکید کرد و افزود: نگوئیم که قفقاز روزی به ایران تعلق داشت بلکه امروز باید به اشتراکات فرهنگی و علائق تاریخی فی مابین تأکید کرد.
دکتر امیراحمدیان اظهار داشت: جمهوری اسلامی ایران در خصوص قفقاز ادعای سرزمینی ندارد بلکه به شدت با تحریفات تاریخی و غیر علمی که پایه و اساس درستی ندارند مخالفیم.

وی با دعوت مردم ایران و قفقاز به همدلی و گسترش ارتباطات فرهنگی تصریح کرد: مرزهای سرزمینی ساخته و پرداخته دولت ها است درحالیکه مردم ایران و قفقاز می توانند با تکیه بر اشتراکات مستحکم تاریخی با یکدیگر به تعامل برسند.

اندیشمندان علمی هرگز تحریفات تاریخی را نمی پذیرند.

استاد دانشگاه تفلیس و شرق شناس بنام گرجی تأکید کرد: تأثیر فرهنگ و تمدن بزرگ ایران طی قرون متمادی بر سراسر قفقاز انکار ناپذیر است. دکتر الکساندر چولوخادزه در همایش "قفقاز در بستر تاریخ" گفت: گرچه ملت گرجستان از هزار و 700 سال قبل مسیحی بوده اند اما تأثیرات تمدن ایران در آداب و رسوم، فرهنگ، هنر، معماری و صنایع دستی این کشور به وضوح قابل مشاهده است.
استاد دانشگاه تفلیس با اشاره به اینکه با وجود تفاوت زبان و خط میان دو ملت، ادبیات ایران نیز در گرجستان از جایگاه بالایی برخوردار است، اظهار داشت: به دلیل ترجمه آثار ادبی ایران طی هزار سال گذشته، امروزه حتی در میان نسل جوان نیز کسی نیست که با اشعار خیام و حافظ و سعدی آشنا نباشد.

استاد دانشگاه تفلیس یادآور شد: شاید سیاستمداران با طرح برخی جعلیات به دنبال اهدافی خاص باشند اما اندیشمندان علمی هرگز تحریفات را نمی پذیرند که نمونه آن در انتشار مقالات تحلیلی تاریخی از قفقاز در نشریات بین المللی توسط اساتید گرجی قابل مشاهده است. دکتر چولوخادزه با استقبال از برگزاری همایش های علمی قفقاز شناسی در کشورهای منطقه افزود: بدون شک برگزاری این همایش ها و پیرو آن تبادل نظر اندیشمندان علمی می تواند در نزدیکی ملل ایران و قفقاز و کنار گذاشتن اختلافات ساختگی موثر باشد.

پس انداز نشده است. این در حالی است که محمد خاتمی در پایان هشت سال ریاست جمهوری با درآمد نفتی به میزان یک سوم درآمدهای نجومی چهار سال نخست دولت احمدی نژاد، ده میلیارد دلار به این صندوق تزریق کرده بود.

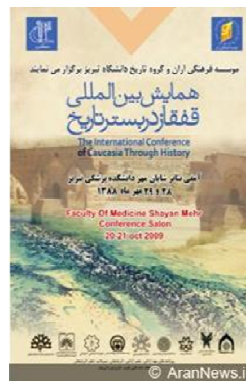
"آینده" در گزارش دیروز خود، همچنین یادآوری کرده که مجموع در آمد های ارزی در هشت سال جنگ و هشت سال ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی به ترتیب 115 و 150 میلیارد بوده است. به دیگر بیان مجموع در آمد های ایران در این شانزده سال 74 میلیارد دلار کمتر از درآمد ارزی دولت نخست احمدی نژاد بوده است.

گفتنی است احمدی نژاد همزمان با افزایش نجومی درآمد های نفتی در تصمیمی بی سابقه تصمیم به انحلال سازمان برنامه و بودجه و شورای پول و اعتبار گرفت. منتقدان معتقدند این انحلال ها با هدف سیطره کامل دولت احمدی نژاد بر درآمد های عظیم نفتی بدون آنکه مجبور به پاسخ گویی به نهادهای ناظر مالی باشد انجام شده است.

در همین راستا ابتدای هفته گذشته دیگر که در سایت "فردا" منتشر شد نیز، از اختلاف 66 میلیارد دلاری میان آمار بانک مرکزی با ادعاهای دولت در خصوص تبادلات صادراتی و وارداتی در چهار سال اخیر پرده برداشت.

برگزاری اولین همایش بین المللی قفقاز در بستر تاریخ در شهر اولین ها

نقشه خطرناک روس ها برای حذف فرهنگ ایران



اولین همایش بین المللی قفقاز در بستر تاریخ توسط موسسه فرهنگی آران و گروه تاریخ دانشگاه تبریز طی روزهای 28 و 29 مهرماه در تالار شایانمهر دانشکده پزشکی تبریز برگزار گردید.

رئیس دبیرخانه و دبیر اجرایی همایش طی گفتگو با خبرنگاران در خصوص ضرورت برگزاری این همایش گفت: لزوم ایجاد فضای هم اندیشی برای صاحب نظران و پژوهشگران داخلی و خارجی حوزه قفقاز، ضرورت ایجاد فضای علمی جهت بررسی مستندات تاریخی و تبیین علمی حقایق تاریخی به منظور شفاف سازی تحریفات تاریخی منطقه قفقاز و همچنین بازشناسی عملکرد ایران در ارتباط با تحولات این منطقه و مقایسه تطبیقی جایگاه فعلی ایران در قفقاز با جایگاه تاریخی خود از جمله موضوعاتی محسوب می شوند که برگزاری همایش بین المللی قفقاز در بستر تاریخ را به یک ضرورت تبدیل نموده بودند که موسسه فرهنگی آران را به برگزاری این همایش ترغیب نمود. فراخوان همایش در سه محور تاریخ، فرهنگ و اجتماع و سیاست در فروردین ماه 88 منتشر گردید که طی مهلت تعیین شده 350 چکیده مقاله داخلی و 50 چکیده مقاله خارجی به دبیر خانه رسید. از بین چکیده مقالات رسیده از صاحبان 270 چکیده مقاله خواسته شد تا اصل مقالات خود را ارسال نمایند که پس از آن 150 مقاله داخلی و 20 مقاله خارجی از کشورهای مختلف به ویژه جمهوریهای حوزه قفقاز وصول و به داوری ارجاع گردید. به گفته گلی، پس از اعلام نظر داوران که از برجسته ترین اساتید کشور بودند، کمیته علمی طی دو جلسه 18 مقاله داخلی و 6 مقاله خارجی از اساتید و پژوهشگران کشورهای روسیه، ترکیه، جمهوری آذربایجان، گرجستان و... را برای ارائه به صورت سخنرانی و حدود 50 مقاله را برای چاپ در مجموعه مقالات انتخاب کرد.

شروع به کار همایش بین المللی قفقاز در بستر تاریخ در تبریز

همایش بین المللی قفقاز در بستر تاریخ طبق اعلام قبلی ساعت 9 صبح روز سه شنبه 28 مهرماه با حضور قفقازشناسان برجسته داخلی و خارجی در تالار شایان مهر دانشکده پزشکی دانشگاه تبریز آغاز به کار کرد. رئیس دبیرخانه همایش بین المللی قفقاز در بستر تاریخ در مراسم افتتاحیه این همایش با بیان اینکه برگزاری این همایش حاصل همکاری موسسه فرهنگی آران و دانشگاه تبریز است افزود: همایش حاضر این پیام را به ساکنان ایران و قفقاز می رساند که مردم ایران و منطقه قفقاز با هم برادر بوده و در واقع یک ملت در زیر پرچم چند دولت هستند.

رئیس دانشگاه تبریز هم در مراسم افتتاحیه همایش طی سخنانی با اشاره به پیوندهای مشترک ایران و منطقه قفقاز از لحاظ تاریخ، فرهنگ و دین تصریح کرد: ملت ایران با توجه به مشترکاتی که با ملت قفقاز دارند می توانند نقش تعیین کننده ای را در معادلات جهانی ایفا کنند.

تاکید بر حقوق غارت شده ایران به معنای تغییر مرزها نیست

دکتر هوشنگ طالعی، پژوهشگر ارشد تاریخ ایران، چهارشنبه شب در مراسم اختتامیه همایش بین المللی قفقاز در بستر تاریخ گفت: متأسفانه جای نقد و تحلیل روند تجزیه ایران در مباحث تاریخی ایران بسیار خالی است. وی تأکید کرد: اگر تاریخ تجزیه ایران را نشانخته و جوانب مختلف آن تحلیل نشود، هرگز نمی توان برای فردای این سرزمین تصمیمات تاریخی اتخاذ کرد.

دکتر طالعی با انتقاد شدید از انفعال برخی محافل علمی ایران در برابر تحریفات روسیه در قبال تاریخ قفقاز گفت: مشکل ما و ملل قفقاز این است که تاریخ همین 200 سال گذشته را نمی شناسیم. وی با تأکید بر اینکه سخن گفتن از خیانت های روسیه در قفقاز و تلاش برای بر جمل زدانی از تاریخ این منطقه به معنای چشم دوختن به سرزمین های جدا شده نیست، افزود: ما خاک نمی خواهیم بلکه در برابر تحریف تاریخ و جعل هویت مصادره شده از سوی استعمارگران ایستادگی باید کرد.

این پژوهشگر ارشد تاریخ گفت: وقتی از واقعیات گذشته قفقاز و عهدنامه های ننگین گلستان و ترکمنچای سخن می گوئیم بدین معنی نیست که مرزهای سیاسی را برداریم بلکه صحبت از ایجاد منافع مشترک بر اساس تاریخ و علایق مشترک مردمان ایران و قفقاز است.

طالعی با بیان اینکه زمینه های اشتراک مردمان ایران و قفقاز بسیار بیشتر از موارد اختلاف را است، افزود: چرا کشورهای اروپایی می توانند با وجود تعدد منافع زیر پرچم اتحادیه اروپایی گرد هم آیند اما ایران و قفقاز با وجود ریشه های مشترک تاریخی و فرهنگی از هم دور افتاده باشند؟ وی با اشاره به وجود ادیان و فرهنگ های مختلف در منطقه قفقاز در پاسخ به افرادی که اشتراک منافع ایران و قفقاز را غیرممکن می خوانند، یادآور شد: شاید آقایان از تاریخ چیزی نمی دانند زیرا در کهن سرزمین ایران هرگز فرقی میان مسلمان و مسیحی و یهود و زرتشت نبوده است. وی با اشاره به دستاوردهای این همایش گفت: مهمترین پیام این همایش برای مردم ایران و قفقاز حرکت به سوی وحدت بود. دکتر طالعی در پایان تأکید نموده، سخن گفتن از حقوق غارت شده ایران در قفقاز در محافل علمی به معنای تغییر در مرزهای جغرافیایی نیست.

همایش بین المللی قفقاز در بستر تاریخ به کار خود پایان داد

نخستین همایش بین المللی "قفقاز در بستر تاریخ" در تالار شاپانمهر دانشگاه علوم پزشکی تبریز به کار خود پایان داد. در آئین پایانی این همایش میهمانان خارجی حاضر در آن ضمن قدردانی از گام مهم دانشگاه تبریز در نزدیکی ملل ایران و قفقاز نتایج این همایش را قابل قبول توصیف کردند. دکتر جلیل نانبیان، دبیر علمی همایش در پایان این همایش گفت: هدف اصلی این همایش این بود که به دولت ها و ملت های قفقاز اعلام کنیم که مردم ایران ضمن تأکید بر شفاف سازی تاریخ و نجات دادن آن از تحریفات صورت گرفته از تنش و جنگ و چالش در منطقه دوری کرده و به دنبال دوستی و برادری و صلح برای تمام مردم منطقه هستند.

حسن گلی دبیر اجرایی همایش نیز در آئین اختتامیه که با حضور دکتر علوی رئیس دانشگاه تبریز و تعدادی از مسئولین استانی برگزار شد ضمن قدردانی از استقبال چشمگیر اساتید، دانشجویان و پژوهشگران از این همایش گفت: طی دو روز برگزاری همایش در مجموع 18 مقاله داخلی و 6 مقاله خارجی ارائه شد.

دکتر علوی در پایان این همایش ضمن تشکر از دست اندرکاران همایش تأکید نمود پیام این همایش برای مردم قفقاز پیام دوستی و وحدت است.

گفتنی است در مراسم اختتامیه همایش دکتر شاهین فاضل از اساتید آکادمی علوم باکو شعری در وصف شهر تبریز نمود که بیانگر علاقه زایدالوصف سراینده نسبت به تبریز بود. پس از آن بیانیه پایانی همایش توسط رئیس دبیرخانه همایش قرائت شد و در پایان از میهمانان خارجی و صاحبان مقالات برتر تجلیل به عمل آمد.

لازم به توضیح است الکساندر چولوخادزه از اساتید به نام گرجستان، خانم صو پیو جویاوا رئیس آرشو ملی گرجستان، خانم منانا کمبوریوزه معاون بین الملل آرشو ملی گرجستان، دکتر شاهین فاضل، دکتر عادل محمداف، دکتر نصیب گویوشف، دکتر انور خودیف و دکتر رامیز اسکندر اف از روسا و اساتید دانشگاههای جمهوری آذربایجان، ایلیروس عیسی اف از دانشگاه دولتی جمهوری خود مختار نخچوان، دکتر گل چهره سید او، دکتر مرتضیعلی گاجیف و دکتر تیمورلای امبروف از دانشگاههای فدراسیون روسیه از جمله میهمانان خارجی همایش بودند.

بیانیه پایانی همایش بین المللی قفقاز در بستر تاریخ

سپاس بی پایان خدایی را سزاست که توفیق برگزاری اولین همایش بین المللی قفقاز در بستر تاریخ را به موسسه فرهنگی آران و گروه تاریخ دانشگاه تبریز عنایت نمود. بی شک این رویداد بزرگ علمی منشاء تحولات چشم گیری در روند مطالعات تاریخی منطقه قفقاز خواهد بود که تأثیرات آن در ایجاد منطقه ای و جهانی نمایان خواهد گردید.

با امید به اینکه برگزاری همایش بین المللی قفقاز در بستر تاریخ سرآغازی در جهت گسترش تعاملات فرهنگی بین مردم ایران و کشورهای منطقه قفقاز محسوب گردد و ضمن تقدیر از همه اساتید، دانشجویان و پژوهشگران ارجمند که با حضور خود بر غنای علمی همایش اضافه نمودند و با سیاست از همه عزیزانی که در برگزاری این همایش سهمی را به خود اختصاص دادند بیانیه پایانی همایش بین المللی قفقاز در بستر تاریخ ارائه می گردد:

1- ضمن تأکید بر لزوم شفاف سازی تاریخ منطقه تأکید می نمایم بایستی از طریق رایزنی های علمی، فرهنگی و سیاسی و نیز با ایجاد کارگروهای تحقیقاتی جهت بازبینی تاریخ، برای زدودن تاریخ منطقه از گردو غبار تحریفات همت گماشت تا در اسرع وقت، محافل و گروههایی که حتی کتابهای درسی دانش آموزان را نیز با تحریفات تاریخی عین نموده اند، از ادامه تحریف تاریخ منطقه منصرف گردند.

2- اشتراکات تاریخی و فرهنگی بین ایران و قفقاز؛ زمینه را برای توسعه روابط فرهنگی و علمی فراهم نموده که در این راستا خواستار تبادل علمی - تحقیقاتی و مبادله استاد و دانشجو مابین دانشگاههای ایران و حوزه قفقاز بوده و راه اندازی رشته مطالعات قفقاز در دانشگاههای منطقه شمالغرب کشور به ویژه دانشگاه تبریز را امری ضروری قلمداد می نمایم.

3- ضمن یاد آوری پیشینه تاریخی قفقاز که با تاریخ ایران در هم تنیده است خواستار توسعه روابط همه جانبه و گسترش مذاکرات دیپلماتیک فی مابین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منطقه قفقاز با تأکید بر تأمین منافع ملی همه طرفها می باشیم.

4- ضمن تأکید بر همزیستی مسالمت آمیز اقوام ساکن در قفقاز خواستار استقرار صلح و امنیت بر پایه عدالت و تمامیت ارضی کشورهای و ممانعت از بروز هر گونه رفتار تنش زا می باشیم.

5- با تأکید بر اینکه دریای خزر بایستی دریای دوستی و عاملی برای تقویت روابط مابین کشورهای حوزه این دریا و نیز کشورهای منطقه قفقاز باشد خواستار تعیین رژیم حقوقی دریای خزر با حضور تمامی کشورهای ذینفع و بدون دخالت قدرتهای فرا منطقه ای می باشیم.

6- ضمن اشاره مجدد به لزوم گسترش روابط مابین ایران و کشورهای حوزه قفقاز تأکید می نمایم دست اندرکاران سیاست خارجی ایران بایستی از طریق شناساندن اهداف و آمل واقعی بازیگران فرامنطقه ای فعال در قفقاز، ضمن آگاهی دادن به دولتها و مردم این منطقه جهت صیانت از منافع ملی خود؛ در جهت ایجاد صلح و ثبات در این منطقه تلاش نموده و نیز در زمینه پاسداشت فرهنگ و هویت تاریخی این مناطق که با هویت تاریخی ایران زمین در هم تنیده است بیش از هم فعال باشد.

7- ضمن اشاره به جایگاه رفیع تبریز در بین ساکنان قفقاز در گذشته و حال تأکید می نمایم بایستی در جهت بررسی و شناساندن هرچه بهتر و بیشتر جایگاه مکتب تاریخی، فرهنگی و هنری تبریز در حوزه قفقاز بیش از پیش تلاش نمود که در این راستا بایستی گسترش همکاریهای مراکز علمی، فرهنگی استان آذربایجان شرقی با نهادهای فرهنگی کشورهای حوزه قفقاز و نیز با مراکز فرهنگی فعال ایران در قفقاز؛ مورد توجه ویژه قرار گیرد. همچنین برگزاری نشست شهرداران حوزه قفقاز به میزبانی شهرداری کلانشهر تبریز گام ارزنده ای در این راستا خواهد بود.

8- ضمن تأکید بر گسترش همکاریهای منطقه ای تأکید می نمایم که بایستی از طریق ایجاد اتحادیه های منطقه ای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... در حوزه قفقاز نیاز دولتها و ساکنان این منطقه به قدرتهای فرامنطقه ای کاهش یافته و روابط فی مابین کشورهای حوزه قفقاز با ایران تقویت گردد.

9- با اشاره به فرهنگ و تمدن مشترک مردم ایران و قفقاز، خواستار اتخاذ تدابیر مناسب از سوی متولیان امر جهت تحکیم و تعمیق پیوندهای عاطفی، فرهنگی و اجتماعی مردم قفقاز با ایران می باشیم که در این خصوص علاوه بر اقدامات اساسی، انجام برخی اقدامات نمادین از جمله نامگذاری بزرگ راه تبریز - جلفا به نام بزرگ راه قفقاز پیشنهاد می گردد.

10- در پایان ضمن تأکید بر وجود حوزه فرهنگ مشترک تاریخی در بین ساکنان قفقاز و ایران خواستار توسعه فرهنگی و ایجاد وحدت در عین کثرت اقوام و مذاهب بوده و اعلام می نمایم دبیر خانه همایش بین المللی قفقاز در بستر تاریخ با موافقت جناب آقای دکتر علوی؛ ریاست فر هیئته دانشگاه تبریز و موسسه فرهنگی آران به دبیر خانه دائمی مطالعات قفقاز تبدیل گردیده تا با اتکاء بر روشهای علمی و فرهنگی در زمینه شفاف سازی تاریخ منطقه و نیز بستر سازی برای گسترش روابط ایران با کشورهای حوزه قفقاز فعالیت نماید.





قصد این قوم خطا باشد هان تا نکنی!

سه‌شنبه 20 تا جمعه 23 اکتبر

علیرضا نوری زاده

سید علی آقا به سیم آخر زده است. در واقع آنچه را حسین بازجو با کپی کردن خز عبلات پیام فضلی‌نژاد و حسین درخشان و حضرت پرفسور دودر (یک در رو به CIA و در دیگر به سوی امنیت‌خانه مبارکه نایب امام زمان در شارع پاسداران فعلی و سلطنت‌آباد سابق) همان مولانای معروف، در دهان سعید حجاریان گذاشت تا به عنوان اعتراف خطرناک در جعبه تماشای حاج عزت بازگوید، به مانیفست ولی فقیه تبدیل شده است. حالا سیدی که روزگاری افتخارش این بود که تنها آخوندی است که بوف کور هدایت را خوانده و شهریار شهر سنگستان اخوان ثالث را در حافظه دارد، مجله فردوسی و نگین را لوله می‌کرد و در جیب قبایش می‌گذاشت و پز می‌داد که کتاب «ماجراهای جاودان فلسفه» که امیرکبیر در سری کتابهای «سیمرخ» منتشر کرده، تکانش داده بخصوص شرح مرگ امپدوکلس که در دهانه آتشفشان «انتا» پریده بود تا بندگان او را که خدا شده بود در حال بیماری و ضعف ببیند، به فلاکتی افتاده که از حضور دو میلیون دانشجوی علوم انسانی در دانشگاههای ایران به‌خشم می‌آید و بوزینه‌هایی با چراغ از نوع اخوین لاریجانی و مصباح یزدی و حداد عادل بی چراغ کور ظاهر و باطنی از تیره احمد خاتمی و کاظم صدیقی (شیخ بیسودی که در نماز جمعه ده بار هدفمند کردن پاران را رایانه خواند و بعد صدا و سیمای حاج عزت که حالا پاسخ خوش‌خدمتی‌هایش را با تمدید مدیر عاملی‌اش برای 5 سال دیگر از دستان مبارک سیدعلی آقا گرفت، با چه ادبیت ناشایه‌ای آن را مثلا درست کرد) و حاج حبیب مؤتلفه تاز مسلمان برای خوشامدن او، به روی فرهنگ و ادب و تاریخ و فلسفه و هنر شمشیر می‌کشند.

من این غلامعلی‌خان حداد عادل و علی و محمدجواد لاریجانی را به‌عنوان سه خیانتکار آگاه به خیانت خویش در عرصه لشکرکشی نایب امام زمان مسجد جمکران، محکوم می‌کنم و نامشان را می‌آورم تا نسل‌های آینده بدانند چه کسی برای دومین بار چوبه دار برای به دار کشیدن حسین منصور حلاج برپا کرد و با رأی چه افرادی بار دیگر سر مبارک شیخ شهاب‌الدین ابن بار نه در حلب بلکه در دار الخلافه تهران بر نطع نشست. یک هفته با «حدیث نفس» حسن کامشاد روز و شب می‌گذرانم. او مرا به هوای روزگار یک نسل پیش از خود (اگر هر نسل را 25 تا 30 سال فرض کنیم) برده بود. در این هوا آنچه در سینه کشیدم فرهنگ بود و ادب و علوم انسانی و هنر. از کوچه‌های غبارگرفته اصفهان تا آبادان شعلهور، از پیاده‌روهای روبروی دانشگاه تهران آن روزهای خوش استبداد، همراه با شاه‌رخ مسکوب (معنای مجسم از شمار دو چشم یک تن کم) وز شمار خرد هزاران بیش) پیش خود می‌اندیشیدم اگر علوم انسانی نبود آیا هرگز پای کامشاد به کمبرج باز می‌شد؟ آیا پس از موج وحشت بعد از مرداد 32، اگر پیوندی که ادبیات و فلسفه و شعر و در نهایت علوم انسانی بین آدمهای سیاسی یا سیاست‌زده آن روز برقرار کرده بود وجود نداشت، آیا ابراهیم گلستان در آن فضائی که سلامت را پاسخ نمی‌دادند و هوا بس ناجوانمردانه سرد بود، مسیحی‌ای کامشاد می‌شد و «روزی در اوایل اردیبهشت 1333» پشت میز سر در شرکت نفت سر برمی‌داشت و می‌گفت: «حسن کامشاد اگر در گیر و دار این روزها، روزهایی که رفقای شما بیشتر و بیشتر به زندان می‌افتند، روزهایی که شما صبح که خانه را ترک می‌کنید هیچ مطمئن نیستید که شب به خانه برگردید... کسی بیاید و بگوید آقای کامشاد مایلید بروید در دانشگاه کمبریج انگلستان زبان و ادبیات فارسی تدریس کنید چی جوابش می‌دهید؟»

آن رشته‌ای که پسر یک بازرگان اصفهانی را به پروفیسور مینورسکی روس مهاجر دیپلمات عصر تزار و توفیق صابغ شاعر فلسطینی آواره وصل می‌کند همان است که سیدعلی‌ها در طول تاریخ به پارمک‌زدنش شمشیر کشیدند. و البته همواره بوزینه‌هایی بوده‌اند که از دریای علوم انسانی نوشیده‌اند منتها پشت در قدرت «زلال فرهنگ و ادبیات» را استقراغ کرده‌اند و یک شیشه لجن خرافات و بندگی را سرکشیده‌اند و بول و غایط ارباب را و سوسه ابرو کرده‌اند به این امید که نزد خلیفه قدر ببینند و بر صدر نشینند حتی اگر این کار به‌قیمت نفی همه ارزشهای انسانی باشد که روزگاری مثل همین غلامعلی‌خان حداد عادل و علی آقا اردشیر لاریجانی و اخوی محمدجواد ادعای سرسپردگی به حضرت حافظ و ابوالعالی معری و پورسینا و بدیع‌الزمان فروزانفر و جلال همائی و استاد زرین‌کوب و... می‌کردند. بله، این حضرتی که با دادن یک دختر به آقازاده نایب امام زمان چاه‌جمکران، از حداد عادلی به شداد ظالم بدل شد و نفرین پروین خانم مادر داغدار سهراب اعرابی برای همیشه همنشین نامش شد، و یا آن علی‌آقای لاریجانی که از ریاضیات رو برگرداند تا به بحر مواج علوم انسانی راه یابد و در دایره فلسفه و شعر و ادب چرخ‌زنان به جذب و شوری برسد که در طول

تاریخ تمدن بشری، هزاران انسان را به نقطه خلاقیت رسانده است، اما با اولین لقمه‌ای که سلطان غاصب جلوش می‌اندازد از دایره سرفرازی بیرون می‌زند و به حلقه عبودیت ره می‌کشد، لقمه برمی‌گیرد و دم تکان می‌دهد و هر بار ارباب اشاره می‌کند پاچه اهل اندیشه و فرهنگ و ادب و فلسفه و هنر را می‌گیرد. حقا حدادها و لاریجانی‌ها و مولاناها را نمی‌توان در صف سرسپردگان عادی قدرت به‌حساب آورد. اینها چون به‌قدرت نزدیکند بجای آنکه خلیفه را از اسب قدرت کمی فروآورند و بکوشند از فرصتی که نصیبشان شده به‌سود اهل اندیشه و فرهنگ و هنر و ادب استفاده کنند او را هر روز پله‌ای بالاتر به‌سوی عرش خدائی می‌برند، هر روز توطئه‌های تازه کشف می‌کنند و وقتی طرف را درست و حسابی گرفتار مالیخولیای توطئه و دسائس دشمنان خارجی و داخلی کردند آن وقت به‌سراغ علوم و فرهنگ می‌روند. در زمان استالین کار به آنجا رسیده بود که علاوه بر علوم انسانی، در عرصه فیزیک و شیمی و پزشکی نیز حداد عادل‌ها و لاریجانی‌ها و مولاناها دربار استالین او را قانع ساخته بودند که علوم در غرب کاپیتالیستی و دارای اهداف امپریالیستی است پس بجای آنکه از آخرین تجارب پزشکی آمریکا در جراحی قلب استفاده کنیم بهتر است تکیه بر دانش پزشکی پرولتاریایی بکنیم. فیزیک و شیمی آمریکا شیطانی است، پس باید مانع از انتشار تئوریهای فیزیک و شیمی غربی شویم و...

در سرزمین ما که حضور سلاله‌ای از متفکرین و اهل ادب و فرهنگ و فلسفه در طول تاریخش، عرصه فرهنگی‌اش را آنچنان گسترده که دو میلیون دانشجو، در بحر علوم انسانی شناور شده‌اند، اگر آن جاذبه‌های فرهنگی و ادبی و هنری و فلسفی در سرزمین ما نبود اینهمه جوان جذب علوم انسانی نمی‌شدند. در عین حال این نکته را نباید از نظر دور داشت که هرگاه در طول تاریخ ما شریعت سلطه یافته، علوم به‌معنای عام و علوم انسانی به‌شکل خاص هزینه داده و مورد به‌قول آقایان هجمه هم‌جانبه قرار گرفته حال آنکه با طریقت نه فقط اندیشه و فرهنگ و هنر، همزیستی مسالمت‌آمیزی داشته است بلکه شاهد پیشرفت و خلق آثار فرهنگی و هنری و ادبی و فلسفی هم بوده‌ایم.

شریعتمداران آنهم از نوع رمالان و کتاب بازکن‌ها و چاه جمکران‌ساز هایشان، خطرناکترین دشمنان علم (باز به‌شکل عام و علوم انسانی به‌وجه خاص) بوده و هستند. در طول سی سال گذشته و به‌ویژه در دوران ولایتمداری سیدعلی آقا بلائی که حکومت برسر فرهنگ و ادب و هنر و فلسفه آورده، از تمام بلایایی که مردم ما متحمل شده‌اند سنگینتر است. اسلام آقایان، ارتجاعی، خونریز، سرکوبگر و متجاوز است. این اسلام طریقت را کفر می‌داند، جهان مطابق این مسلک چندهزاره بیشتر عمر ندارد و نوح هزار سال عمر کرده بنابراین علمی که می‌گوید سلولهای آدمی پیر می‌شود و از کار می‌افتد و سرانجام انسانها چشم از جهان فرو می‌بندند حرف بیربطی است و محمداقا از حسن آقا و او از کر بلائی اسماعیل نقل کرده وقتی قبرستان سنگلج را خراب کردند و خیابان ساختند جنازه تنی چند از بزرگان دین سالم و دست‌نخورده پیدا شد. تلویزیون و کامپیوتر خوب است زمانی که فرمایشات مقام رهبری، نوحه حاج کویتی‌پور و روضه دو طفلان مسلم را پخش می‌کنند، و سایت‌های متعدد مراکز اسلامی و دعای شفای شافولوس و موفقیت در کنکور تضمینی امام زمان، شبکه عنکبوتی را تسخیر کند. در چنین رژیم سیدعلی‌آقایی که سغائر عبادی را عبادت می‌کرد و نای موسوی را ناله الهی می‌دانست از رواج موسیقی در دانشگاهها و مدارس شکوه می‌کند و مثل شیخ فضل‌الله نوری به علوم انسانی می‌تازد که باعث باز شدن چشم و گوش بچه‌های ما می‌شود. آن حافظی که آقای خامنه‌ای به کنگره بزرگداشتش، آن پیام دلنشین را می‌فرستاد، حالا محکوم است و باید دیوانش را سوزاند که فریب و تزویر آخوندها را آشکار کرده و هفتصد سال پیش، از احوالاتشان شرحی داده شبیه آنچه کمال تبریزی در فیلم مارمولکش تصویر کرده است.

شریعتمداران امروز بعد از کشتن و به‌زنجیر کشیدن اهل اندیشه و فرهنگ و هنر کمر به‌قتل هرآنچه در دایره علوم انسانی قرار می‌گیرد بسته‌اند. میدان سیاست را که از شرفا خالی کرده‌اند، و اگر هنوز قلندری هست عمامه از سرش برمی‌دارند و لنگه‌کش به سوبش پرتاب می‌کنند، محارباش می‌خوانند و طرح نابودیش را می‌کشند. در چنین سرزمینی اگر کوتاه بیایم فردا فرهنگمان را نیز مثل دینمان مصادره می‌کنند و دانشگاهمان حوزه می‌شود و محمدتقی مصباح یزدی، رئیس حوزه و دانشگاه. به‌گمانم جنبش سبز باید در کنار شعارهای سیاسی و آنچه گستره آزادیهای مدنی و حقوق بشر و برابری و تسامح را در نظر دارد، به توطئه خطرناکی که علوم انسانی را در سرزمینی که اعتبارش از شعر و فرهنگ و ادب و فلسفه و هنر است، هدف قرار داده است، بپردازد.

نباید گذاشت سیدعلی آقا با کارپردازی و معاونت حداد عادل‌ها و لاریجانی‌ها و مولاناها، بتواند بعد از مصادره دین و اخلاق و سنت‌های پسنیده‌ها ما از جمله تسامح دینی و نژادی، دریای گسترده علوم انسانی را در سر زمین ما، به لجنزار خرافه و تعصب و مذهب تحریف شده و لایتنی تبدیل کند.

این هفته دوست و همسفرم در مسیر سبز، محسن مخملباف فیلمساز سرشناس چند روزی را با ما گذراند. حقا روزهای پرثمری بود بخصوص آن روز که شماری از فعالان جنبش سبز به دیدارش آمدند. همه حرفها گرد این محور دور می‌زد، ما هرکدام با باورها و تصورات خویش در برابر هم موضع می‌گیریم حال آنکه اگر نقطه‌های مشترک این باورها را کنار هم بگذاریم می‌توانیم در چند محور همصدا باشیم. محسن می‌گفت گذشته را رها کنیم. به دنبال آینده‌ی رویایی و دور هم نباشیم. اگر بتوانیم هرروز از صد خواست خود فقط یکی را به‌دست آوریم گامی به جلو برداشته‌ایم.

این را گفتیم برای آن دوستانی که گمان می‌کنند می‌توان یکشنبه از شر رژیم جهل و جور و فساد که در جنایت حدودی نمی‌شناسد، خلاصی یافت. انقلاب مشروطه یکشنبه به پیروزی نرسید. از نماز جمعه قیصریه در سال 57 تا روز بازگشت خمینی چند ماه طول کشید. در چهار ماه جنبش سبز هم هزینه داده و هم دستاوردهای کلان داشته است. روز 13 آبان را به مهمترین دستاورد جنبش تا امروز تبدیل کنیم.

یادمان نرود که باید

1. یادمان نرود که باید باید باید فعالانه اطلاع رسانی کنیم. این هم یادمان نرود همه اینترنت و ماهواره ندارند. به یاد داشته باشیم که یکی از دلایل موفقیت روز قدس (که هنوز هم جای اردنکی اش بر پیکر قراضه کودتاجی ها مانده است) این بود که خیلی ها از جلوی کامپیوتر پا شدند و به شیوه های قدیمی تبلیغ رو آوردند. امروز در روزنامه خواندم یکی از مقامات کودتا پیشنهاد کرده است پول هایی را که رویشان شعار نوشته شده است از گردونه خارج کنند. ما ضمن تشکر از ایشان برای بر شمردن یک راه موثر و کم خطر برای اطلاع رسانی، بار دیگر به دوستان سبز این راه ساده تبلیغ را یادآوری می کنیم. توجه داشته باشیم اطلاع رسانی شفاهی بی خطر و بسیار ساده است. در صف نان یا اتوبوس، در تاکسی یا مترو، سر صحبت را با بغل دستی باز کنیم و بعد از کمی افشاگری و نفرین به دولت کودتا و بانی و باعث آن، به مردم بگوییم که قرار است 13 آبان را سبز کنیم. اهمیت شرکت فعال را به مردم گوشزد کنیم و به آنها بگوییم تظاهرات دولتی، مناسب امنی برای تجمع است.
3. به شعارهایی که در برگزیده آرمان های جنبش سبز باشند فکر کنیم و اگر به شعار جالبی رسیدیم به اطلاع دیگران برسانیم.
4. به تجارب تظاهرات گذشته فکر کنیم و راه هایی را که به درد بخورند به دیگران اطلاع دهیم. به عنوان مثال این مقاله در باره همین موضوع است: <http://www.rahesabz.net/story/2586>
5. در تبلیغ 13 آبان توجه داشته باشیم هر یک نفری را که به خیابان آمدن تشویق می کنیم، به همان اندازه از خطر سرکوب تظاهرات کم می کنیم. فراموش نکنیم که امنیت ما و همه عزیزان مان که در این روز به خیابان می آیند به تشویق هر چه بیشتر مردم به شرکت در تظاهرات بستگی مستقیم دارد. از دوستان خارج کشوری هم تقاضا می شود با تشویق فک و فامیل و دوست آشنا ما را در سوزاندن دماغ دولت رسوای کودتا کمک کنند.



شنبه 24 تا دوشنبه 26 اکتبر چهارشنبه‌های بهمن

حظ کردم، با همه جانم، لحظه‌لحظه فیلم بهمن قبادی را نوشیدم. لمس کردم، گریستم، خندیدم، زندگی کردم. یعنی واقعا هنرمندی می‌تواند در هفته روز با کمترین امکانات، سندی چنین کوبنده در نفی ولایت فقیه و حکومت ارتجاع و استبداد بسازد آنهم چنین خوشدست، زیبا، پر از ابتکارات تصویری، با کلامی که چنان در جان می‌خلد که وقتی از سینما بیرون می‌آیم ساعتها با من است. در این سالها بسیار از نسل انقلاب شنیده‌ایم و خوانده‌ایم و دیده‌ایم. بعضی تجربه‌های مستقیم با آنها داشته‌ایم (که بعضا سخت آزاردهنده و شماری روح‌نواز و امیدوارکننده بوده است) اما کمتر هنرمندی مثل بهمن، بر بستر آرزوها، ترسها، امیدها و ناامیدی‌ها، شکست‌ها و پیروزی‌ها و حرف دل و زبان این نسل، چنین هنرمندانه روایتگر شده است. فراتر از این بگویم بهمن قبادی که فاصله سنی‌اش از این نسل چندان زیاد نیست، خود یکی از آنها شده است با این مزیت که دوربینش سه‌بعدی عمل کرده، یعنی هم روح را و هم جسم را و هم اجتماع این نسل را تصویر کرده است. به عبارت دیگر او هم شاهد است و هم عامل، هم تصویرگر است و هم تصویر، هم آواز است و هم آوازخوان. آنکه در فیلمش با آواز «رپ» خود قصه سرگشتگی‌های نسلی را فریاد می‌کند که حاکمیت به او یاد می‌دهد دروغ بگوید، تزییر کند، در کنار گاوان هنرش را دنبال کند و راه رویارویی با عس را یاد بگیرد، با اینهمه روحی به روشنایی سحر و عشقی به گرمای خورشید داشته باشد.

گرچه‌های بهمن که کسی از آنها نمی‌داند و به دردها و فریادهایشان اهمیتی نمی‌دهد، همانها هستند که طی چهار ماه ستونهای رژیم جهل و جور و فساد را بلرزده درآورده‌اند. ندا و سهراب و محسن هم از آنها بودند و این موج سبزی که در کویر خشک و عفن ولایت جهل و جور و فساد، به‌حرکت آمده و جهانی را به‌سنگفتی انداخته است. نمی‌خواهم با

پرداختن به تکنیک و بازیها از حدیث دل درباره فیلم «کسی از گریه‌های ایرانی نمی‌داند» دور شوم اما باید اعتراف کنم کمتر فیلمی دیده‌ام که در آن همه بازیگران خودشان باشند و این خود را به‌زیباترین وجهی به‌مانشا گذارند. حظ کردم و فقط می‌توانم بگویم بهمن قبادی عزیزم، روایت از نسل پر درد انقلاب، زیباترین غزل قصه‌ای بود که تا به‌حال بر پرده سینما دیده بودم.

13 آبان بالاتر از روز قدس

همه نشانه‌ها حکایت از آن دارد که امسال روز مبارزه با استکبار یعنی سالروز عمل شرم‌آور اشغال سفارت آمریکا و به‌گروگان گرفتن 52 دیپلمات آمریکایی برای 444 روز فرصت بزرگ دیگری خواهد بود که طی آن جنبش سبز، حضور پر توان و جایگاه متعالی خود را در زندگی ملت ایران، بار دیگر تثبیت کند. روز قدس اگر آن سیل پرخروش سبز به‌راه نیفتاده بود، سید علی آقا و نوکرانش نقشه کشیده بودند که کروی و موسوی و خاتمی را همان روز دستگیر کنند، با اعلام این که امت شهیدپرور با حضور میلیونی خود نفرت و انزجار از سران فتنه و حامیان اجنبی آنها را ابراز کردند و خواستار برخورد شدید با آنها شدند. حضور چشم‌نواز میلیون فرزندان ایران‌زمین، زن و مرد و پیر و جوان و طنین دل‌انگیز شعار نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران، آنچنان اهل ولایت فقیه را آشفته و وحشتزده کرد که مجبور شدند طرح خود را فعلا در صندوق‌خانه سید علی آقا بگذارند.

ما در روز قدس در خارج ضعیف عمل کردیم حال آنکه در خانه پدری، حضور میلیونی مردم قدرتمندانه بود. در سیزدهم آبان اما باید به‌گونه‌های دیگر عمل کرد. ما وظیفه داریم به‌جای شعارهای همیشگی در این روز، به جهانیان یادآور شویم جنبش سبز، از جنگ و بمب اتمی بیزار است، در امور دیگر کشورها مداخله نمی‌کند، کار بالا رفتن از دیوار سفارتخانه‌ها و بمب‌گذاری و کشتن اتباع خارجی را تقبیح می‌کند. اهل دوستی و مسالمت و تشنج‌زدایی است، مصلحت عالیه ملت ایران را در داشتن روابط دوستانه با همه جهانیان می‌داند. خواهان توفیق تلاشهای صلح در خاورمیانه و همزیستی مسالمت‌آمیز دو ملت اسرائیل و فلسطین است. در این روز ما بر آنیم که به آقای باراک اوباما یادآور شویم به‌جای تأمل در فشردن یا فشردن دستهای خونین احمدی‌نژاد و هیأت حاکمه، دست دوستی ملت ایران را بفشارد. ما در خارج طی سه دهه کمتر در اندیشه مخاطب قرار دادن بیگانه‌ای بوده‌ایم که در بزنگاههای تاریخی برای ما تصمیم گرفته است. در تظاهر اتمان به فارسی شعار می‌دهیم و اغلب به‌جای یکدیگر را هدف قرار می‌دهیم.



اعلامیه سبز

به نام خدا

هموطن سبز،

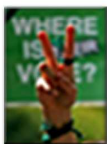
روز چهارشنبه سیزدهم آبان ماه، دانش آموزان، دانشجویان، کارمندان و مردم (دبیرستان ها، دانشگاه ها و ادارات)، طبق **ساعت اعلام شده رسمی** برای این روز در تظاهرات شرکت خواهند کرد. نکته مهم که سبز ها باید توجه داشته باشند، ما برای ارسال پیام صلح به جهان در روز سیزده آبان به خیابان ها خواهیم رفت لذا پیشنهاد ما حذف شعار مرگ و جایگزین نمودن " ننگ؛ میباشد. تنها شعار همراه با مرگ: مرگ بر دیکتاتور!

شعارهای پیشنهادی گروه انقلاب سبز برای سیزده آبان:

سفارت روسیه / لانه ی جاسوسیه
 رسانه های شیطان / ایرنا و فارس و کیهان
 کودتای ترسیده / همش داره باج میده
 امروز فردا همیشه / ما سبزیم و با ریشه
 سهرابیم، نداییم / ما همه یک صداییم
 موسوی موسوی / رییس جمهور مایی
 روحانی واقعی / منتظری صانعی
 اعدام نوجوانان محکوم باید گردد
 قوانین قضایی اصلاح باید گردد
 دانشجوییم نه جنگجو / استاد میخواستیم نه
 بازجو
 دیکتاتور بیچاره / بازی ادامه داره
 انرژی هسته ای / نمی خواهیم نمی خواهیم
 توپ؛ تانک؛ بسیجی / دیگر اثر ندارد
 زندگی در ایران / حق مسلم ماست

استقلال / آزادی / دولت سبز ملی
 مذاکرات مخفی / مایه ننگ ملی
 زندانی سیاسی آزاد باید گردد
 نه دولت کوتا / نه منت آمریکا
 احمدی قاتله / مذاکره اش باطله
 اوباما اوباما / یا با اونا یا با ما
 هسته ای رو رها کن / فکری به حال خود کن
 اوباما یادت باشه / احمدی آدم کشه
 دولت بی چشم و رو / حق مسلمت کو؟
 اوباما اوباما / با محمودی یا با ما
 نفت و گاز مارو بردند / سیب زمینی آوردند
 ایران سبز و آزاد / بمب اتم نمی خواد
 پولهای نفت رو برده / سگهای هار آورده
 آزادی مطبوعات حق مسلم ماست
 هاله نور رو دیده / رای ما رو ندیده

شما نیز همراه شو عزیز



گروه انقلاب سبز

<http://www.facebook.com/greenrevolutiongroup?ref=nf>

green.greenrevolutiongroup@gmail.com



عقیق و ابریشم خسرو باقرپور

آغاز روز بود
زمانی که گیسوانت را شناختم
هر چند خوب می دانستم
خویشاوند شب است
و سرشار از شب است
و خورشید را به انتهای جهان تبعید می کند.

پایان شب بود
زمانی که ستاره چشمانت را رصد کردم
و تا انتهای خواب های عمیق رفتم
جهان چه کم رنگ بود
به گاهی که بدر عقیق چشم هایت
با گشودن پلک ها
پیدا می شدند
و شب را روشن می کردند
و ما در کوباکوب دهل دلها مان
رویش هر جوانه را می دیدیم
و به باز شدن ساکت هر غنچه گوش می دادیم

و حالا
ای غایب به ناگاه!
اندوه تو بر گونه ی آینه می چکد
بوی پیراهنت
کبوتر غریبی ست
در تنهایی خانه
که بی قرار و هراسان
از این سو به آن سو می پرد
می پرسم از خودم:

من با نگاه مات این پنجره در پایان روز چه کنم؟
جواب جام شکسته شیشه را در آغاز شب چه بدهم؟

صدایت از جنس آتش است رضا مقصدی

بخوان! صدای تو خوش تر است، زمانه ات همزبان تو
که تا سپیده، گل آورد چمن - چمن در زمان تو
* *

رها کن از سینه عاشقا! ترانه های تر تو را
که دل به عشق تو می تپد به جان عاشق به جان تو
* *

اگر چه در غربتم غمین، غمت میاد و بیا ببین!
چگونه می رقصم زمین، به شور شعر جوان تو
* *

مرا هوای تو بر سر است، ازین هوا دل، معطر است
سرود رود تو خوشتر است، درود بر باغبان تو
* *

اگر بهار تو بشکند سکوت سرد بنفشه را
کجا تواند فرو چکد؟ صدای زرد خزان تو
* *

صدایت از جنس آتش است بخوان هماره که دلکش است
همین، همین جان سرکش است درین میانه، نشان تو
* *

در ازدحام تبر اگر شکسته شد شاخه های تر
مرا ز جنگل دهد گذر، شکفتن شادمان تو
* *

«دوباره می سازمت وطن» سرود سبز دل من است
زمانه را گو! چه می سزد اگر نیوسد دهان تو.

باغ زیتون شهلا بهار دوست

مثل این مرواریدها، قل قل دور گردنم
قل قل، نفس روی نفس.

مثل این عکسها، تنگ توی چشمها
تنگ تنگ، لابلای هم.

لبت چه داغ، دستم چه سرد،
چه داغ روی موها، چه پُر کرده مشت!
ریز ریز رسیده، نشانده شب را به پُشت!

ماه در هوس، ستاره در قفس!
ترانه ها روی موج وای وای تکرار می کنند:
ای وای ی ای این زیتون، باز خواب که را هوم م م می کند؟

مثل این کمر، چرخ چرخ، دور ناف من
دراز شده شب، روی غنچه ها، روی خالها
مبادا باز بازی بازها، تو را پرانده به خوابها؟
مبادا میان خوابها، کبوترت انار چیده در هوسها؟

اینجا باغ روی خوشبوها، روی ناز، مخمل کشیده دراز
اینجا مرغی نک می زند مدام
مدام روی رنگهای خوابش کسی گرفته نشان
گاه پرده پاره، حیا نمی کنند!
گاه از پرده های پاره عبور نمی کنند!
گاه دست که دراز می کنند
بیچاره ترسیده فرار می کند!

حالا دوباره از نو
مثل این مرواریدها، قل قل دور گردنم
قل قل، نفس روی نفس.
مثل این عکسها، تنگ توی چشمها
تنگ تنگ، لابلای هم
مثل این کمر، چرخ چرخ، دور ناف من
روی خال غنچه ها تا انتهای راه!

